

سازمان بورس منهای دولت

بورس امروز
سازمان منهای دولت

سازمان بورس منهای دولت

سازمان بورس منهای دولت

ماهنامه اجتماعی - اقتصادی / شماره ۶۷ / بهمن ۱۳۹۰ / ۱۶ صفحه ۱۸۰۰ تومان

سرانجام ۹ ماه انتظار



FINALLY SOMETHING

برداشت منفی از مفهوم ریسک

منابع ریسک عموماً به دو گروه ریسک کاهش پذیر یا ریسک غیرسیستماتیک و ریسک کاهش ناپذیر یا ریسک سیستماتیک تقسیم می شوند. ریسک غیرسیستماتیک، به ویژگی‌های شرکت نظیر ریسک تجاری، مالی و ریسک نقدینگی شرکت، نوع محصول، ساختار سرمایه و ترکیب سهامداران عمده آن بستگی دارد. ریسک سیستماتیک به شرایط کلی بازار و تحولات سیاسی و اقتصادی داخل کشور، چرخه‌های تجاری، تورم و بیکاری و وضعیت اقتصاد جهانی و نرخ برابری ارزها مربوط می شود.

با اعمال تغییرات در مقررات توسط مراجع حقوقی، قضایی یا دولتی نظیر تغییر نرخ بهره بانکی، نرخ تعرفه گمرکی، بازار پول و نرخ ارز، صرف نظر از منافع سیاسی یا اقتصادی موردنظر، ریسک سیستماتیک ایجاد می شود. در سالهای اخیر، ریسک ناشی از تحریم‌های بین المللی از منابع عمده ریسک سیستماتیک به شمار رفته است.

در بورس تهران در کوتاه مدت، متغیرهای برونزا (عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره) نسبت به متغیرهای درونزا (ویژگی‌های شرکتها نظیر میزان سودآوری، بهره‌وری و طرح‌های توسعه و پروژه‌های داخلی شرکت) تأثیر بیشتری در حجم معاملات و قیمت سهام شرکت داشته‌اند. تنوع صنایع و ابزارهای معاملاتی صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران سرمایه‌گذاران را ملزم می کند در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، ریسک و بازده موردانتظار خود را به درستی تجزیه و تحلیل کنند تا به نتیجه مطلوب دست یابند. شناسایی، اندازه گیری و مدیریت ریسک سه مرحله اساسی در مقابله با مخاطرات هستند. مشکل بیشتر سرمایه‌گذاران این است که از وجود و ابعاد برخی از ریسک‌ها بی اطلاع هستند و بدون شناخت کافی وارد بازار می شوند. معمولاً از ریسک مفهوم منفی برداشت می شود. اما ریسک بخش جدایی ناپذیر سرمایه‌گذاری است و فرایند سرمایه‌گذاری باید بر پایه درک درست از ریسک بنا نهاده شود. به‌نظر می رسد شفاف سازی بیشتر در حوزه مقررات، دسترسی یکسان مشارکت‌کنندگان بازار به اطلاعات و اتخاذ سیاست‌های با ثبات مالی نقش مهمی در کاهش ریسک سیستماتیک ایفاء می کند. اگر سیاستهای راهبردی در زمینه قیمت گذاری، خرید تضمینی، صدور پروانه‌های بهره برداری، تنظیم بازار و قیمت‌گذاری مواد اولیه شفاف شود، سرمایه‌گذاران می توانند در فضای شفاف تری فعالیت کنند.

آنچه که به ترغیب سرمایه‌گذاری در بورس می‌افزاید!

توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار سرمایه و رفع ممنوعیت نهادهای مالی بازار سرمایه برای استفاده از تسهیلات بانکی و اعمال معافیت مالیاتی برای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها برای شرکت‌های زیان ده، مجوز انتشار اوراق پدهی با ضمانت دولت و انتشار سهام خزانه توسط شرکت‌ها اشاره کرد که اثرات مثبتی بر بازار سرمایه داشت.

گزارش‌های ماهانه فصل بهار نیز با توجه به رشد نرخ‌های جهانی کامودیتی‌ها و همچنین افزایش حجم تولید و فروش در ماه‌های ابتدایی نسبت به پیش‌بینی‌ها باعث افزایش رشد سودآوری آنها شده بنابراین P/E تاریخی کاهش و P/E پیش‌بینی اکثر سهام بنیادین بازار به محدوده ۵ و ۶ نزدیک شده که این موضوع باعث ترغیب سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی شده است.

با در نظر گرفتن متغیرهای کلان اقتصادی و شرایط امروز شرکت‌ها چشم انداز بورس برای ادامه سال مثبت ارزیابی می‌گردد و با توجه به منطقی شدن قیمت سهام و بازگشت اعتماد به سرمایه‌گذاران خرد و حقیقی نسبت به بازار سرمایه و با دید سرمایه‌گذاری بلندمدت و کسب بازدهی بالاتر از بازارهای موازی، انتظار بهبود بازار در ادامه سال پیش‌بینی می‌گردد.

در چند سال اخیر عوامل زیادی از جمله عوامل اقتصادی و سیاسی و همچنین متغیرهای درونی شرکت‌ها مانند سودآوری، بهره‌وری و پروژه‌های طرح توسعه شرکت باعث شد مردم به جذب سرمایه‌های خود به بازار سرمایه تشویق شوند و این خود باعث افزایش حجم معاملات در سال‌های اخیر گردید.

شاخص کل از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا پایان آذرماه به رغم مثبت بودن در برخی مقاطع به دلیل اخبار و اتفاقات اثرگذار، کاهش ۱۱ درصدی را تجربه نمود. از اتفاقات مهم در این بازه زمانی می‌توان به امضا برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، انتخابات ریاست جمهوری، رایزنی درخصوص برجام و مذاکرات وین، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، آغاز انتشار اوراق مالی اسلامی، بازگشت دامنه نوسان متقارن و کاهش نرخ بهره بین بانکی اشاره کرد که این موضوعات در مقاطعی بر بازار سرمایه تأثیرگذار بوده است.

همچنین در راستای حمایت از بازار سرمایه، در نشست که با حضور رئیس سازمان بورس و وزیر اقتصاد و ... صورت گرفت بسته حمایتی از بورس در قالب ۱۰ پیشنهاد در اردیبهشت ماه ارائه گردید و در جلسه سران قوا به تصویب رسید.

از مهم ترین موارد بسته حمایتی می‌توان به تزریق منابع از صندوق



به صورت مستقیم تأثیر ملموسی بر فعالیت بازار سرمایه ندارد، اما اثرات غیرمستقیم متعددی بر اقتصاد دولت ایران و به تبع آن کسب و کار شرکت دارد. با این وجود، با توجه به کشف واکسن بیماری، انتظار می‌رود مسیر رشد اقتصاد جهانی به مرور هموار شده و قیمت کامودیتی‌ها مجدداً به قیمت‌های قبل از دوران بیماری کرونا بازگردد و بعضاً انتظار ثبت رکورد در قیمت جهانی برخی از کامودیتی‌ها از جمله مس و نفت وجود دارد. لذا این موضوع خود زمینه ساز رشد نقدینگی در بازار سرمایه و در نهایت رشد شاخص کل بورس خواهد بود. بر خلاف تحریم‌ها که بیشتر بخش نفت و صنایع بزرگ مانند خودروسازی را تحت تأثیر قرار داده است، ویروس کرونا بیشتر صنایع کوچک و عمدتاً بخش‌های خدماتی را متأثر نموده است. به همین دلیل رشد اقتصاد ایران که بیشتر متشکل از رشد بخش‌های خدماتی قرار دارد، بسیار تحت تأثیر قرار گرفته است. بودجه ای که دولت از محل فروش نفت برای سال ۱۴۰۱ پیش‌بینی کرده است رقم ۲۴ میلیارد ریال است که معادل فروش ۱/۲ میلیون بشکه در روز به قیمت ۵۵ دلار برای هر بشکه پیش‌بینی شده است. این مقدار نسبت به سال ۱۴۰۰ نزدیک به ۳ میلیارد ریال کاهش یافته است. با در نظر گرفتن حجم ۱/۲ میلیون بشکه صادرات در روز و قیمت معقول ۵۵ دلار می‌توان نتیجه گرفت بودجه پیش‌بینی شده در بخش درآمد نفتی کشور در سال ۱۴۰۱ محقق گردد.

کرونا بخش هزینه ای بودجه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه تأمین تجهیزات بیمارستان‌های دولتی و لوازم بهداشتی، اقدامات کنترلی در ورودی و خروجی شهرها، تأمین واکسن و داروهای بیماری و... جزء هزینه‌هایی است که به دلیل بحران کرونا بر دولت تحمیل شده است. از طرف دیگر کسادی فضای اقتصادی، وابستگی بیشتر به بازانه‌ها را به دنبال خواهد داشت و از سوی دیگر درآمد دولت از محل اخذ مالیات‌های مختلف را کاهش خواهد داد. به علاوه، هزاران میلیارد تومان به‌عنوان وام با تسهیلات ارزان قیمت به افرادی که دچار مشکل شده‌اند تعلق گرفته است.

در داخل کشور روی داده است. فیج تورم را برای سال ۲۰۲۱ مقدار ۴۰ درصد پیش‌بینی نموده است. همچنین پیش‌بینی صندوق بین المللی پول از تورم ایران برای سال ۲۰۲۱ مقدار ۳۹ درصد است. در مجموع، چشم انداز اقتصاد ایران از اواخر سال ۲۰۲۲، به این صورت است که تا آن زمان نه تنها واکسناسیون به طور گسترده انجام شده است بلکه ایران می‌تواند با مناسبات سیاسی و اقتصادی بین المللی خود، از بخشی از تحریم‌ها رهایی یابد؛ چنانکه توافق بالقوه میان آمریکا و ایران در سال ۲۰۲۲ محتمل به نظر می‌رسد و بلافاصله مزایایی در زمینه صادرات و کاهش کسری بودجه خواهد داشت.

ریسک شیوع ویروس کووید ۱۹

یکی از مهمترین عوامل اجتماعی که اثرگذاری قابل توجهی بر اقتصاد جهان گذاشته است، مسئله شیوع ویروس کرونا است. ایران یکی از کشورهای است که شاهد شیوع گسترده این ویروس بوده است. براساس آمار رسمی، تعداد مبتلایان در ایران از مرز ۶ میلیون نفر گذشته و بیش از ۱۳۱ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. شیوع سویه دلتا از تابستان ۲۰۲۱ منجر به بروز رکورد روزانه ۵۰ هزار مبتلای جدید و ۷۰۹ مورد فوتی گردید. با این وجود، با گسترش سریع واکسناسیون از اواخر تابستان و در طی فصل پاییز، روند رو به بهبود خروج از همه گیری آغاز گردیده است. اقتصاد ایران که تحت فشار تحریم‌های آمریکا قرار دارد، با تأثیرات منفی شیوع کرونا نیز مواجه شده است.

کاهش صادرات به چین و کشورهای همسایه، افت تجارت منطقه ای، ایجاد اختلال در بخشهای صنعتی و خدمات و سقوط صنعت گردشگری از جمله اثرات منفی کرونا بر اقتصاد ایران است. هرچند با روی کار آمدن دولت جدید، با افزایش قیمت نفت و هماهنگی بیشتر کشور با وضعیت تحریمی-کرونا، حکم بر اقتصاد، مشکلات مذکور تا حدی کاهش یافته است. شیوع کرونا هرچند

میانگین رشد اقتصادی ایران در همین بازه بر اساس پیش‌بینی صندوق بین المللی پول مقدار ۲/۱۳ درصد است. با توجه به اینکه توافقات بین المللی همچنان قطعی نشده است و تحریم‌ها همچنان پابرجا است. به نظر می‌رسد هر دو طرف مذاکره در شرایطی متوقف شده‌اند که منتظر اقدام مثبت از سمت طرف مقابل هستند و این امر روند ادامه مذاکرات را با کندی همراه ساخته است. سیاست‌های جدید ایران، در محدودتر شدن روابط دو کشور دخیل بوده و تصمیم گیری‌های جدید را به تعویق می‌اندازد. بنابراین فرض بر این است که در کوتاه مدت محدودیت‌های تجاری ایران از جمله تحریم‌های نفتی برقرار باشد. با این وجود، در حال حاضر شاهد روند افزایشی تولید و صادرات نفت در ایران هستیم که می‌تواند به دلیل افزایش حجم صادرات به سمت چین از ابتدای سال ۲۰۲۱ باشد. تداوم تنش‌ها میان آمریکا و چین می‌تواند بر میزان صادرات نفتی ایران به چین اثرگذار باشد. اما روند تغییرات تولید و صادرات نفت ایران، با آنچه پس از توافق هسته ای پیش‌بینی می‌شد، تفاوت زیادی دارد. در سال ۲۰۱۵ و پس از توافق برجام پیش‌بینی می‌شد حجم صادرات نفتی ایران در سالهای ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به ترتیب رشد بیش از ۸ و ۳۰ درصدی را از خود نشان دهد. اما در حال حاضر شرایط کاملاً متفاوت است و حجم تولید نفت در نزدیکی کف تاریخی خود باقی خواهد ماند. پیش‌بینی جدید فیج برای رشد صادرات نفتی ایران در سال ۲۰۲۱ برابر با ۲/۵ درصد و در سال ۲۰۲۲ برابر با ۹/۰ درصد است. جریان ضعیف ورود ارز همچنان باعث فشار فروش به ریال شده و احساسات و هزینه‌های مصرف کنندگان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

علت کاهش ارزش ریالی پس از خروج از برجام

از زمان خروج ایالات متحده از برجام، ارزش ریال بیش از ۸۰ درصد کاهش یافته است. کاهش ارزش ریال نه فقط ناشی از خروج از برجام، بلکه به دلیل دیدگاه انتظاری مردم

سناریوهای تحقق

درآمدهای نفتی بودجه ۱۴۰۱



خشونت‌های سیاسی شدید می‌تواند اثرات منفی عمیقی بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی داشته باشند. محیط کسب و کار تحت تأثیر اخبار سیاسی مثل انتخابات، فساد دولتی، اختلافات کارگری، اصلاحات نهادی و تغییر در سیاست عمومی قرار می‌گیرد. بنابراین در یک استدلال مشابه می‌توان اضافه نمود که بی ثباتی سیاسی بر توسعه بازار سهام تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد کشور با واکسناسیون گسترده به وضعیت مناسبی در بحران کرونا رسیده است و همچنین با وجود فرض دستیابی به توافق دیپلماتیک تا پایان سال ۲۰۲۲، سطح گسترده تحریم‌های موجود و دشواری صادرات نفتی، رشد اقتصاد را با کندی مواجه خواهد کرد. با توجه به این رویکرد، پیش‌بینی فیج برای رشد اقتصادی ایران در بازه ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۵ به طور میانگین برابر با ۴/۶ درصد است که این پیش‌بینی متأثر از رویکرد سیاسی است.

یکی از مهمترین ویژگی‌های بازار سرمایه هر کشور تأثیرپذیری از مسائل سیاسی است. تغییرات سیاسی در بدنه حاکمیت از آنجا که تغییراتی در دیدگاه‌های اقتصادی در پی دارد، تأثیر ملموس و سریعی بر بورس اوراق بهادار می‌گذارد. در هر کشوری که از دیدگاه سرمایه‌گذاران مقدار ریسک در حد غیرقابل قبولی زیاد باشد، هیچ ترغیب مالی برای جلب سرمایه موفق نخواهد شد.

تأثیر بی‌ثباتی سیاسی بر بازار سرمایه

امروزه اقتصاد و جامعه جهانی همانند گذشته با سطح قابل توجهی از ریسک‌های سیاسی روبه‌روست. اما آنچه بدیهی است این است که ماهیت این ریسک‌ها تغییر شکل داده و هم اکنون ریسک سیاسی یک پدیده بسیار پیچیده و چند بعدی است.

استاد است. سوز و گریه‌های من به هیچ وجه مرا به یاداری نرساند.

برجام کی بر جام بازار سرمایه می نشیند



مهدی محمودیان - مدیرعامل سیدگردان تواندیشان نفیس

گزارش های ۹ ماهه شرکتها قطعا بر روند بازار سرمایه تاثیرگذار خواهد بود، اما «برجام» پارامتر مهم تر و تاثیرگذارتری خواهد بود. اگر جنگ اقتصادی به پایان رسد، قطعا یک شوک بزرگی به اقتصاد کشور وارد خواهد شد، چرا که تحریم های حداکثری کاهش یافته و مسیر ورود ارز به کشور باز خواهد شد. همه این عوامل مطرح شده قطعا بر بازار سرمایه نیز تاثیرگذار خواهد بود. ابهام در برجام بازار سرمایه را وارد یک خواب زمستانی کرده است. با به نتیجه رسیدن برجام، قطعا سرمایه های خارج شده از بازار سرمایه یا پارک شده در بانکها وارد بازار سرمایه خواهند شد.

از سوی دیگر یکی از پارامترهای تاثیرگذار در بازار سرمایه بحث حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی است که دولت در اختیار برخی از شرکتها قرار داده است. در صورت حذف آن، تاثیر آن بر بازار سرمایه به ویژه شرکت هایی که درآمد ریالی دارند، بسیار زیاد خواهد بود.

موضوع دیگر بحث قیمت گذاری دستوری است. به عنوان مثال به شرکت های خودروساز مجوز افزایش نرخ داده نمی شود اما با آزادسازی قیمت ها به ویژه برای شرکت های برخوردار از فروش داخلی، قطعا قیمت ها واقعی تر خواهد شد. و قرعه کشی خودرو که خود نیز عاملی برای ایجاد رانت برای دلان شده است، از میان خواهد رفت.

و اما در صنایعی مانند غذایی و قندی، شرکت های دارویی و یا کشت و صنعت اقدامات دولتی و بودجه ای دولت تاثیرات بیشتری دارد. لازم به تاکید است که گزارش های ۹ ماهه، روند گذشته را نشان می دهد، از همین روی نمی توان در خصوص تاثیر آن در آینده سخن گفت. این در حالی است که روند جدید دولت در شرکت ها بر اساس بودجه در آینده بازار سرمایه اثرگذار است.

در بورس سهام بر اساس آینده خریداری می شود نه برای شرایط فعلی؛ به همین جهت می توان گفت

این بار نگرانی از گزارش های ۱۲ ماهه

محمد مشاری - مدیرعامل کارگزاری بانک صنعت و معدن

گزارشات ۹ ماهه شرکتها با توجه به ابهاماتی که بر بازار سرمایه سایه افکنده، نمی تواند تاثیری بر روند بازار سرمایه داشته باشد. با توجه به تغییر نرخ برق صنایع در اواسط فصل سوم، برای تاثیرگذاری این موضوع بر درآمد شرکتها باید منتظر گزارشات ۱۲ ماهه باشیم. نرخ برق مصرفی بسیاری از صنایع به صورت غیررسمی و بدون اعلام قبلی، چند ۱۰ برابر شده است که در برخی از گزارش های ۹ ماهه این موارد قابل رویت نیست. بررسی ها نشان می دهد که اکنون دلیل ریسک بازار، دلار نیست بلکه مسائل سیاسی این ریسک را به همراه داشته است.

از سوی دیگر در بودجه ۱۴۰۱، اثرات نرخ های اعلامی مواد اولیه مانند نفت، گاز، مواد پتروشیمی و نرخ انرژی مصرفی شرکت های تولیدی در گزارش های ۹ ماهه مشخص نیست. این موضوع بیشترین ابهام را در بازار سرمایه در بودجه سال آینده دارد. اگرچه هنوز این بودجه در مجلس شورای اسلامی تصویب نشده است، اما عدم اطلاع اهالی بازار و تحلیلگران از جزئیات بودجه ۱۴۰۱ منجر به انتشار اخبار متناقض از بودجه شده است.



عامل تاثیرگذار در گزارش شرکت ها بورسی

عظیم ثابت - رئیس هیئت مدیره سیدگردان البرز

گزارش شرکتها، اگر تسببت به سه ماهه فصل بهار و پاییز و یا دوره مشابه سال گذشته، عملکرد بهتری داشته باشد، می تواند نقطه قوتی برای بازار سرمایه محسوب شود؛ اما با توجه به افت بازار سرمایه پیش بینی می شود که گزارش شرکتها منطبق بر انتظار فعالان بازار سرمایه نباشد. هر چند امیدواریم به رغم قطعی گاز و برق صنایع که مشکلات بسیاری را برای آنها به دنبال داشته است، گزارش های خوبی از شرکتها منتشر شود تا بتواند در ارزش سهام این شرکتها در بهمن ماه اثرگذار باشد. افزایش نرخ خوراک، قطعی گاز، هزینه تمام شده شرکتها، کنترل قیمت و محدودیت صادرات شرکت های صادرات محور و ... از جمله فاکتورهای تاثیرگذار در گزارش شرکتها هستند. در این میان به رغم افزایش هزینه تمام شده تولید، شرکتها مجاز به اعمال افزایش قیمت نبودند. این موضوع مهم بودجه سال ۱۴۰۱ است که بواسطه این میان موضوع مهم بودجه سال ۱۴۰۱ است که بواسطه آن وضعیت نفت، دلار، نرخ سوخت، خوراک، بهره مالکانه، مالیات و ... به عنوان برنامه سال آتی شرکتها مشخص می شود. در کنار ابهامات بودجه سال ۱۴۰۱، موضوع روند مذاکرات برجام نیز بسیار تعیین کننده است. به نوعی بازار سرمایه از ابهاماتی همچون بودجه، قیمت گذاری دستوری، برجام و ... رنج می برد. در صورت بروز گشایش در مذاکرات برجام، تثبیت نرخ ارز، افزایش فروش و صادرات نفت قطعا شاهد رونق بازار سرمایه خواهیم بود.

به طور کلی اقتصاد کشور نیازمند ثبات نرخ ارز است تا با پیش بینی پذیری آن، امکان کنترل تورم وجود داشته باشد. از سوی دیگر با معقول بودن نرخ سود بانکی، شرایط برای هدایت منابع به سمت تولید در سال تولید، پشتیبانی و مانع زدایی مهیا خواهد شد. همچنین حرکت دولت به سمت دلار تک نرخی و کاهش فاصله نرخ دلار نیامی و آزاد به یکدیگر نوید بسیار خوبی برای بازار سرمایه خواهد بود.

رقابت در صنعت تامین مالی؛ کدام تامین سرمایه گوی سبقت را ربوده اند؟



در حال حاضر ۱۰ شرکت تامین سرمایه با اخذ مجوز از سازمان بورس و اوراق بهادار در بازار مالی ایران مشغول به فعالیت هستند که در حوزه های مختلف با یکدیگر و با سایر رقبای غیرتامین سرمایه ای، در حال رقابت هستند. جهت بررسی ریسک رقابت، شاخص های مختلفی تعریف شده است که از آن جمله می توان به شاخص هرفیندال هیرشمن ۱ (HHI)، شاخص نسبت تمرکز بنگاه های برتر، ضریب جینی و شاخص قدرت بازار اشاره کرد. طی سالهای اخیر صنعت خدمات مالی در حوزه تعهد پذیرنویسی، صرف نظر از توانانات محدود در برخی سالها، در مجموع روند افزایش رقابت و کاهش تمرکز را در پیش گرفته است. به گونه ای که در بخش تعهد پذیرنویسی طی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بازار به شدت متمرکز بوده است؛ در حالی که در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ بازار در وضعیت نسبتاً رقابتی قرار داشت اما در سال های بعدی، بازار به تناوب از وضعیت رقابتی به وضعیت متمرکز تغییر وضعیت داشته است. در سال ۱۳۹۹ شاخص با رقم ۱،۱۴۱ رقابتی بوده اما در دوره ۹ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۰، مقدار شاخص به رقم ۱،۵۵۴ افزایش داشته که نشانگر بازار نسبتاً رقابتی است. در بخش خدمات مدیریت دارایی (با درآمد ثابت) نیز شاخص در سالهای اولیه، عددی بالاتر از ۲،۵۰۰ واحد را ثبت نموده که گویای بازار متمرکز در آن دوره است. اما پس از آن و از سال ۱۳۹۴ به بعد روند کاهش تمرکز بازار و رقابت روزافزون در این بخش آغاز شده و در حال حاضر این حوزه فعالیت، به شدت رقابتی محسوب می شود. در حوزه خدمات مدیریت دارایی (سهامی) وضعیت، اندکی متفاوت بوده و دوره تمرکز بازار، بازه طولانی تری را به خود اختصاص داده است. به گونه ای که طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بازار به سمت کاهش رقابت حرکت کرده و در سال ۱۳۹۵ به شدت متمرکز محسوب می شود. اما از سال ۱۳۹۶ به بعد شاهد بازاری رقابتی در این حوزه بوده ایم؛ با این وجود، طی سه سال اخیر شاهد اندکی کاهش رقابت و افزایش تمرکز بوده ایم اما همچنان عدد شاخص کمتر از ۱،۵۰۰ بوده که گویای بازاری رقابتی در این حوزه است. در بررسی نسبت های چندین شرکت تامین سرمایه که شامل نمادهای امید، لوتوس، نوین، ملت، امین، تمدن، کاردان، مسکن و دماوند می باشد بودیم که نسبت بدهی (مجموع بدهی ها بر مجموع دارایی ها)، در صورت های مالی ۹ ماهه نماد امید با ۰،۴۱ بیشترین نسبت بدهی و در صورت های مالی ۶ ماهه نماد مسکن با

سهامی در پس عدالت



را دریافت کرده اند. در ابتدای دولت سیزدهم از رئیس جمهور وقت درخواست گردید که مستحق ترین افراد جامعه که به هر دلیلی در زمان واگذاری اولیه سهام عدالت نتوانستند حق این سهام را دریافت نمایند، بتوانند این سهام را به دارایی اندک خود بیافزایند. رئیس جمهور نیز در راستای این درخواست نامه ای به سازمان برنامه و وزارت اقتصاد ارسال کرد و خواستار شد راهکارهای مناسب در این زمینه ارائه و بررسی گردد و بعد از بررسی های انجام شده وزارت امور اقتصاد و دارایی حدوداً با این طرح موافقت خود را اعلام کرد؛ هر چند تاکنون چندین مرتبه مسئله سهامداری مردم ایران مطرح گردیده است اما هیچ کدام به نتیجه ای نرسیده است.

و اما در خصوص ارزش این سهام باید گفت که سهام عدالت که پرتفوی شامل چند سهم با ارزش را دارد اکنون با ارزشی کم تر از ارزش واقعی خود در بازار معامله می گردد و امروزه نه تنها ارزش این سهام نصف شده است بلکه بازار امکان فروش این سهام را به سهامداران خود هم نمی دهد. ارزش این سهام تا جایی کاهش یافته است که مدت هاست مسئولان بورسی در مورد طراحی بسته ای برای ساماندهی سهام عدالت وعده ها داده اند اما همچنان شاهد بی قولی ها در جامعه بوده ایم. و اما در خصوص پرداخت سود این سهام می توان گفت که با اینکه چیزی به اتمام سال نموده هنوز سود سهام سال ۱۳۹۹ نیز پرداخت نگردیده است که با توجه به شواهد موجود ظاهراً قرار است در جلسه پیش روی شورای عالی بورس در این خصوص تصمیم گیری گردد.

سهام عدالت نوعی یارانه محسوب می شود که در دولت نهم یعنی زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با هدف تامین عدالت اجتماعی، فقر زدایی و گسترش سهم بخش تعاون در اقتصاد ایران بین قشرهایی از جمله روستاییان و عشایر، زنان سرپرست خانوار، گروه های کم جمعیت مانند خبرنگاران و خادمان مسجد، کارگران فصلی ساختمانی، کارمندان و بازنشستگان دولتی تقسیم گردیده است. بعد از گذشت ۱۴ سال مسئله آزاد سازی سهام عدالت مطرح گردیده است که با ابلاغیه ای از طرف مقام معظم رهبری سازمان خصوصی سازی انتخاب دو روش مدیریت مستقیم و غیرمستقیم را پیش روی ۴۹ میلیون نفر مشمول دریافت این سهام قرار داده است. همچنین جزییات نحوه اجرا شدن این طرح بر روی دوش شورای عالی بورس افتاده است. آزادسازی سهام عدالت چه به روش مستقیم و چه به روش غیر مستقیم هر کدام مزایا و معایب خاص خود را به همراه دارد. به گفته کارشناسان بازار سرمایه از جمله مزایای آزاد سازی سهام عدالت این مهم می باشد که بازار سرمایه تا ۵۰ درصد منابع مالی مورد نیاز خود را می تواند تامین کند که تا قبل از این فرایند میزان توانایی بازار سرمایه در تامین منابع مالی تنها ۱۸ درصد بوده است اما در این طرح با وجود سهامدار بودن، این افراد نمی توانند به صورت مستقیم حضور داشته باشند و مدیریت آن به صورت دولتی می باشد.

از کل جمعیت کشور ۵۰ میلیون نفر دارنده سهام عدالت می باشند چه بسا افرادی که واجد شرایط بوده اند و به دلایل مختلفی از داشتن این سهام محروم و افرادی که مشمول این سهام نبوده اند اما این سهام

اولین قدم وابسته به تقویت اکتشافات و سپس تقوین باوگان معدنی است. در واقع در سال‌های اخیر کمپن شرکت‌های اکتشافی خصوصاً شرکت‌های متخصص اکتشافات زیرسطحی، باعث کاهش محسوس روند کشف معادن جدید شده است که این موضوع مختص سنگ آهن نیست و در مورد تمامی معادن صدق می‌کند. بنابراین، مستلزم توجه از سوی نهادهای بالادستی است. موضوع ماشین آلات فرسودگی معدنی نیز در سال‌های اخیر و با کاهش ورود ماشین آلات نو و مدرن باعث محدودیتی‌هایی در عرصه استخراج شده است. در صورت تداوم مشکلاتی عیدیه را در آینده نزدیک بزرگ معادن کشور در پی خواهد داشت. نهادهای تصمیم‌گیران

نگاه دولت سیزدهم در خروج از بنگاه داری؛

بخش دولتی همچنان بنگاه دار ماند

بر اساس فهرست و اطلاعات بنگاه‌های قابل واگذاری، در سال ۱۴۰۰ باید ۱۰۵ شرکت واگذار شوند. ۲۵ شرکت دولتی باید در سال جاری به صورت کامل به بخش خصوصی واگذار شوند و سهام دولت در ۱۰۵ شرکت حداقل تا ۸۰ درصد کاهش یابد. امار واگذاری به تفکیک نوع واگذاری نشان می‌دهد که در سال ۹۹ بالغ بر ۱,۲۲۵,۳۳۹ میلیارد ریال عرضه انجام شده است، اما از فروردین تا اذرماه سال ۱۴۰۰ هیچ فروشی از این محل انجام نشده است. از سوی دیگر امار واگذاری به عموم متقاضیان که توسط سازمان خصوصی سازی منتشر شده است نشان می‌دهد تا اذرماه سال ۹۹ بالغ بر ۴۷۱,۷۷۹ میلیارد ریال بوده است که این رقم تا اذرماه ۱۴۰۰ صفر بوده است.



سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

بنا بر برنامه، مقرر شده بود که سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در سال ۱۴۰۰ سهام ۱۶ شرکت زیرمجموعه خود را واگذار کند که از این تعداد ۱۲ شرکت فلزی و یک شرکت سیمان، آهنک و گچ و یک شرکت خدمات

فنی مهندسی خواهد بود.

بر همین اساس سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، ۱۲,۰۰۵ درصد سهام شرکت ملی صنایع مس ایران، ۱۷,۲ درصد سهام فولاد مبارکه اصفهان، ۱۰۰ درصد سهام آلومینای ایران (آلومینای جاجرم)، فولاد آذربایجان به همراه طرح توسعه فولاد میانه، گسترش

معادن و صنایع معدنی طلای زرشوران، ۴۰ درصد سهام صنعتی معدنی ایتال پارسیان سنگان، ۳۵ درصد سهام فولاد سفید دشت چهارمحال بختیاری، ۲۰ درصد سهام احیای استیل فولاد بافت، ۱۵ درصد از سهام پارس فولاد سبزواری، ۳۵ درصد از سهام صنعتی غدیر نیریز، ۳۵ درصد از سهام توسعه فولاد شادگان، ۹۶,۵ درصد از سهام توسعه

خدمات بازرگانی نورد ایران، ۴۹ درصد از جنوب مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب را تا پایان سال جاری در بازار سرمایه عرضه کند.

همچنین سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران شرکت ۴۱ درصد از سهام بین‌المللی مهندسی ایران (ایریشک) که در حوزه خدمات فنی مهندسی فعال است و ۱۰۰ درصد از سهام شرکت احداث صنعت که در حوزه سیمان، آهنک و گچ فعال است را باید در سال جاری عرضه کند.

سازمان خصوصی سازی

این گزارش می‌افزاید: سازمان خصوصی سازی باید در سال جاری سهام ۶ شرکت خود را در بازار سرمایه عرضه کند؛ که بر اساس آن ۴,۳ درصد از سهام روغن نباتی جهان (مواد غذایی)، ۲۸ درصد از سهام کشت و صنعت شهریار (زراعت و خدمات وابسته)، ۲,۹۴ درصد از سهام شرکت لوازم برق اتومبیل (خودرو و ساخت قطعات)، ۳۳ درصد از سهام شرکت جامکو (منسوجات) و حدود ۲۴ درصد از سهام شرکت نساجی (منسوجات) در فهرست واگذاری قرار دارند.

سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران

بر اساس فهرست منتشر شده از سوی سازمان خصوصی سازی، باید سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران باید سهام ۱۶ شرکت خود را در سال جاری در بازار سرمایه عرضه کند که شامل شرکت‌های خدماتی، خودرویی، فلزات اساسی، ماشین آلات و صنایع، خودرو و ساخت قطعات، خدمات فنی مهندسی و محصولات شیمیایی می‌شود.

ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران

این ارگان دولتی باید ۸ شرکت زیر مجموعه خود را در سال ۱۴۰۰ در بازار سرمایه عرضه کند که شامل شرکت ۰,۰۰۳ درصد از سهام پالایش نفت تهران، ۸۷,۵۶ درصد از سهام پالایش نفت امام خمینی (ره) - شازند، ۱۰۰ درصد از پالایش نفت آبادان، ۲۰ درصد از سهام پالایش نفت کرمانشاه، ۱۷,۹ درصد از سهام پالایش نفت ستاره خلیج فارس، ۲۰ درصد از سهام پالایش نفت آناهیتا و پالایش نفت بهمن

سغدیر در اولین مجمع عمومی سالیانه خود پس از عرضه اولیه ۱۲۰۰ ریال سود تقسیم کرد



در مجمع عمومی سالیانه شرکت توسعه سرمایه و صنعت غدیر ۱۲۰۰ ریال سود نقدی تقسیم شد که تا ۲۲ بهمن ماه سود سهامداران حقیقی و صندوق‌ها از طریق سجام پرداخت می‌شود.

مجمع عمومی سالیانه صاحبان سهام شرکت توسعه سرمایه و صنعت غدیر ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۰ با حضور ۹۶,۲۸ درصد سهامداران، نماینده سازمان بورس، نماینده حسابرس و بازرس قانونی به صورت حضوری و برخط برگزار شد. هیئت‌رئیس مجمع با حضور آقای حسن یحیوی رازیکی به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری غدیر به عنوان رئیس مجمع، آقایان احسان حاجی حسن معمار و امیر سلیمانی به عنوان ناظرین مجمع به همراه نماینده سازمان بورس و نماینده حسابرس و بازرس قانونی و آقای محمدرضا سلیمیان مدیرعامل شرکت توسعه سرمایه و صنعت غدیر به عنوان دبیر مجمع تشکیل شد.

مهندس سلیمیان ضمن ارائه گزارشی از عملکرد و دستاوردهای هلدینگ سیمان غدیر در سال مالی گذشته به ترسیم برنامه‌های آتی شرکت جهت رشد و توسعه فعالیت‌های هلدینگ در صنعت سیمان کشور پرداخت. سغدیر در سال مالی اخیر رشد ۹۲ درصدی درآمدهای عملیاتی را به ثبت رسانده و ۳۴ هزار میلیارد ریال درآمد داشته است. صادرات بیش از ۲/۵ میلیون تن محصول به ۲۳ کشور و ارزش آوری ۵۰ میلیون دلاری همراه با ثبت رکورد صادرات ۳۵ درصد از کل محصولات تولیدی که این مجموعه را در صدر هلدینگ‌های سیمانی کشور قرار می‌دهد. همچنین تولید بیش از ۷ میلیون تن کلینکر در شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ سیمان غدیر با راندمان

۹۰ درصدی برگ زرین دیگری در دفتر عملکرد سال مالی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ این مجموعه است که با تقدیر سهامداران مواجه شد.

پس از ارائه گزارش حسابرسی و تصویب صورت‌های مالی توسط سهامداران، نوبت به تقسیم سود رسید که به پیشنهاد هیئت‌مدیره ۱۲۰۰ ریال سود به ازای هر سهم بالغ‌بر ۹۴ درصد از سود انباشته شرکت تقسیم گردید. هلدینگ سیمان غدیر با توجه به شرایط فعلی بازار سرمایه و برای رضایت هرچه بیشتر سهامداران خود اعلام کرد علی‌رغم اعلام قبلی زمان پرداخت سود سهام، سود سهامداران حقیقی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری را در کمترین زمان و حداکثر تا ۲۲ بهمن‌ماه سال جاری، سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی از طریق سامانه سجام به سهامداران پرداخت خواهد کرد.

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت شهود امین به عنوان حسابرس و بازرس قانونی اصلی و مدیریت آرمان نوین رسیدگی به عنوان حسابرس و بازرس علی‌البدل انتخاب شدند. روزنامه دنیای اقتصاد نیز به عنوان روزنامه رسمی برگزیده شد.

در انتهای مجمع، انتخابات هیئت‌مدیره شرکت توسعه سرمایه و صنعت غدیر برگزار شد که با رأی سهامداران، شرکت سرمایه‌گذاری غدیر (سهامی عام)، شرکت صنعتی و بازرگانی غدیر (سهامی خاص)، شرکت سرمایه‌گذاری زرین پرشیا (سهامی خاص)، شرکت بین‌المللی توسعه صنایع و معادن غدیر (سهامی خاص) و شرکت بین‌المللی توسعه ساختمان (سهامی عام) به عنوان اعضای هیئت‌مدیره هلدینگ سیمان غدیر انتخاب شدند.

مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس:

افزایش سودآوری گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، هدف اول ماست

باید جایگاه سهام گروه در بازار سرمایه را ارتقا دهیم



نمی‌باید جز با افزایش بهره‌وری و بهبود مستمر فرآیندها. وی ادامه داد: دومین سیاست ما، افزایش سهم گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس از بازار سرمایه و ارتقای ارزش سهام گروه است که هم به نفع سهامداران از جمله چند ده میلیون نفر از دارندگان سهام عدالت است و هم به نفع اقتصاد کشور است؛ برای رسیدن به این مهم علاوه بر افزایش سودآوری، افزایش شفافیت در بورس، عرضه اولیه سهام شرکت‌های تابعه که هنوز بورسی نشده‌اند و البته رفتار هوشمندانه، منصفانه و اخلاقی مدارانه در بازار سرمایه در رئوس برنامه‌های ماست.

مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، سومین اولویت فارس در دوره جدید مدیریت را تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام عنوان کرد و گفت: برای این طرح‌ها که بیش از ۱۵ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد، تأمین سرمایه از سیستم بانکی و همچنین بازار سرمایه از اولویت‌های ماست که باید به صورت جدی آن‌ها را پیگیری کنیم.

وی چهارمین اولویت را تکمیل زنجیره ارزش و به ویژه صنایع پایین‌دستی عنوان کرد و از همه مدیران عامل، مدیران ستادی و کارشناسان هلدینگ دعوت کرد تا ایده‌های خود برای توسعه این صنعت ارزش آفرین، تولید گریدهای جدید محصولات و همچنین توسعه صنایع پایین‌دستی را ارائه دهند و تأکید کرد در صورت توجیه‌پذیر بودن این طرح‌ها، اجرای آن‌ها بلافاصله آغاز می‌شود.

مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس همچنین ابراز امیدواری کرد که راه برای تأمین مالی خارجی برای پروژه‌های گروه به زودی هموار شود.

به گزارش روابط عمومی گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس، دکتر عبدالعلی علی عسکری در مراسم تکریم و معارفه مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، اظهار داشت: پتروشیمی مزیت اصلی این ملت است و با جهاد شما امروز به این جایگاه رسیده و حرکت شتابان رو به جلوی آن ادامه دارد. هلدینگ خلیج فارس در این میان یک گوهر است و امیدواریم این گوهر در آینده بیشتر بدرخشد و اگر امروز در جایگاه ۳۷ جهان و رتبه دوم خاورمیانه است، باید با توسعه دانش فنی و روش‌های دیگر از جمله تجمیع ظرفیت‌های پتروشیمی کشور به رتبه اول خاورمیانه برسیم و در رده‌های بالای این جدول در سطح بین‌المللی قرار بگیریم.

علی عسکری به سهم بیش از ۱۲ درصدی این گروه از بورس اشاره و تصریح کرد: بورس یکی از مسائل مهم حیات اقتصادی کشور است که با حاکم شدن آرامش و بازگشت اعتماد مردم به بورس و همچنین حاکم شدن شفافیت و صداقت و البته اخلاق‌مداری در بازار سرمایه شاهد آن خواهیم بود که مردم سرمایه‌های خود را به بورس خواهند آورد، چراکه نتیجه آن رشد اقتصادی کشور است و البته مدتی است بورس متأثر از تحولات اجتماعی، اقتصاد و تحریم در شرایط مطلوبی نیست.

وی با بیان اینکه گروه محصولات شیمیایی یکی از محرک‌های اصلی در بورس است، اظهار داشت: اگر در این گروه که درآمد آن نماد فارس و شرکت‌های تابعه آن است، خلق سود بیشتری صورت گیرد، طبیعتاً به حرکت مؤثر و مثبت بورس و جلب اعتماد مردم کمک می‌کند و البته در این صنعت، مسائلی از جمله برخی قیمت‌گذاری‌ها بخصوص در نرخ خوراک وجود دارد که تأثیر مستقیمی روی سودآوری شرکت‌های پتروشیمی دارد و من معتقدم با توجه به جایگاه مهم صنعت پتروشیمی باید مقامات سطح بالای کشور در این قیمت‌گذاری‌ها دخیل باشند.

مدیرعامل گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس تصریح کرد: پیرو بیانات رهبری، معتقدم کار در هلدینگ خلیج فارس، جهاد فی سبیل‌الله است.

علی عسکری درباره سیاست‌های خود در اداره این گروه، اظهار داشت: افزایش سودآوری، اولین و یکی از مهم‌ترین اهداف ماست و سودآوری اقتصادی افزایش

خصوصی سازی برای تامین کسری بودجه دولتی یارفع دیون دولتی

خرد و تدریجی در بازار غیرممکن باشد. در واگذاری این بلوک‌ها به خریداران احتمالی خواه به صورت نقد و خواه به صورت اقساط، در سالهای گذشته شاهد بودیم که خریداران چنین بلوک‌های بزرگی معمولاً از میان بخش شبه دولتی و اصطلاحا خصولتی بوده اند؛ در واقع گروه‌هایی مانند صندوق‌های بازنشستگی و هلدینگ‌های بزرگ وابسته به بانک‌ها و یا ارگانهای مختلف به عنوان خریدار یا پیش گذاشته اند. چنین حرکتی ضمن آنکه هدف اصلی خصوصی سازی که هماتاً استقرار مدیریت فعال خصوصی در این بنگاه‌هاست را عملی نمی‌کند؛ از سوی دیگر نظارت کم وزارتخانه‌ها را نیز از میان می‌برد. همچنین هدف جانبی خصوصی سازی که پر کردن خزانه است نیز با این دست عرضه‌های سهام اصلاً محقق نمی‌شود. بر این اساس معمولاً انتقال سهام به جای بدهی‌های معوق به این مجموعه‌ها انجام می‌شود. اگر هم بخشی از این معامله به صورت نقدی باشد، قطعاً شاهد فشار غیرمستقیم بر بدنه نحیف بازار سرمایه از سوی مجموعه‌های خریدار این بلوک‌ها خواهیم بود. معمولاً این مجموعه‌ها وجه نقد کافی در اختیار ندارند و هنگام نیاز به نقدینگی ناگزیر به فروش سهام می‌شوند. اما نتیجه بدتر حضور مدیران شبه دولتی ناکارآمد و همچنین شکل گرفتن شبه انحصارات در این صنایع است. با این توضیح که معمولاً مدیران خصولتی این مجموعه‌ها به دلیل سابقه فعالیت دولتی خود، ارتباطات خوبی با مدیران ارشد دولتی و همچنین قوه مقننه برقرار کرده‌اند و می‌توانند با بهره‌برداری از آن شرایط لازم برای افزایش سودآوری شرکت خریداری شده را فراهم کنند؛ البته از طریق ایجاد انحصار و نه افزایش نوآوری و ابداع.

محمادیوسف امین داور

مدیر سرمایه‌گذاری شرکت پردازش اطلاعات مالی پارت

در لیست شرکته‌ها و دارایی‌های قابل واگذاری از سوی سازمان خصوصی سازی، ۳۲۳ عنوان شرکت، بنگاه و ملک قرار دارند. انواع باشگاه‌های ورزشی، به خصوص استقلال و پرسپولیس، بلوک‌های باقیمانده از سهام بانک‌های تجارت، صادرات و ملت، بلوک ۲۰ درصدی مخابرات ایران، هواپیمایی کیش در کنار سهامدار عمده مینا، یعنی صنایع برق و آب صبا در این لیست مشاهده می‌شوند. حتی نام ۳۰ شرکت آیفای روستایی که مسؤول تقسیم آب کشاورزی هستند نیز در این لیست قرار دارند، شرکت‌هایی که احتمالاً استراتژی آنها فقط خدمات دهی است و اصولاً برای سودآوری طراحی نشده اند. بر این اساس به نظر می‌رسد که دولت هر چه داشته را لیست کرده و در انتظار به نمایش گذاشته است. بنا براین به نظر نمی‌رسد که هدف دولت از این لیست، فروش آنها در سال جاری و حتی در سال آتی باشد و شاید فقط قصد داشته با شناسایی خریداران احتمالی، به مذاکره با آنها بپردازد.

در این لیست بلوک‌های غیرمدیریتی نمادهایی مانند ملی مس، فولاد مبارکه، ایران خودرو، سایپا و پتروشیمی خلیج فارس نیز باعث نگرانی فعالان بازار شده است. همچنین در مقابل، شرکت‌های غیربورسی بزرگی مانند پالایش نفت آبادان و پالایش نفت ستاره خلیج فارس نیز عنوان عرضه در بورس/ فرابورس قرار دارند. در این میان باتوجه به تجربه سال گذشته و همچنین نگرانی از بین رفتن کنترل مدیریتی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد که عرضه این نمادها به صورت

اما واگرهای خصوصی سازی و نقش نهادهای عمومی و شبه دولتی

مهدی دلبری

مدیرعامل سبدگردان دارا

در سال ۱۴۰۰ بودجه حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومانی برای فروش و رد دیون سهام مشخص شده بود، اما با توجه به اینکه بازار سرمایه عرضه‌های لازم برای عرضه‌های خرد را ندارد و از سوی دیگر شرکت‌ها آمادگی عرضه به صورت بلوکی را هم ندارند پیش‌بینی می‌شود که دولت قادر به فروش خود این عرضه‌ها نباشد، به همین جهت تامین کسری بودجه از محل عدم واگذاری‌ها صورت خواهد گرفت. متأسفانه قیمت گذاری که صورت می‌گیرد، منصفانه نیست و برخورداری سازمان خصوصی سازی از ماهیت دولتی سبب شده است که در این واگذاری‌ها قیمت‌ها به ضرر صندوق‌های بازنشستگی و سایر نهادهایی باشد که از دولت مطالبات دارند. بحث بعدی نوع قراردادهایی است که بین سازمان خصوصی سازی و شرکت‌های خریدار منعقد می‌شود؛ این شرکت‌ها چندین سال امکان تغییر در نیرو و اعمال مدیریت خود را ندارند. موضوعی که باعث کاهش انگیزه سهامداران بخش خصوصی برای معامله با سازمان خصوصی سازی و دولت شده است. در سال‌های گذشته به دلیل مطلوب بودن ارزش معاملات و جذاب بودن بازار، یکی از ریسک‌های بازار

عرضه‌های خرد و تدریجی سازمان خصوصی سازی بود؛ اما در شرایط فعلی عرضه‌های خصوصی سازی غیر ممکن به نظر می‌رسد و هیچ ریسکی هم برای بازار از این منظر وجود ندارد. اما در صورت رشد بازار سرمایه، احتمالاً سایه عرضه‌های خرد از سوی سازمان خصوصی سازی بر بازار سنگینی خواهد کرد. بر این اساس سازمان خصوصی سازی که حدود یک سال و نیم است که قادر به فروش سهام در بازار سرمایه نبوده است، قطعاً فرصت مناسبی خواهد بود. در این میان برای تامین کسری بودجه از محل فروش بنگاه‌ها از طریق بازار سرمایه، بهتر است که دولت رفتار منصفانه‌ای در تامین مواد اولیه و نرخ گذاری گاز و حقوق دولتی داشته باشد تا بنگاه‌ها را به سمت دریافت سود بیشتری هدایت کند؛ افزایش سودآوری و ارزش این شرکت‌ها، قطعاً استقبال سهامداران خرد و سهامداران بخش خصوصی برای خرید را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر دولت هم می‌تواند با عرضه‌های خرد و تدریجی در بازار سرمایه، خصوصی سازی را به معنای واقعی انجام دهد. در واگذاری‌های بلوکی و عمده، متأسفانه عمده این واگذاری‌ها به سازمان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی تعلق گرفته است که از شفافیت لازم برخوردار نیستند.

گنگو و ۱۰۰ درصد از پالایش نفت خوزستان را در بازار سرمایه عرضه کند.

ملی صنایع پتروشیمی

از سوی دیگر شرکت ملی صنایع پتروشیمی باید شرکت ۱۸،۹۶ درصد از سهام صنایع پتروشیمی خلیج فارس (محصولات شیمیایی)، ۳۲ درصد از پتروشیمی هگمتانه (محصولات شیمیایی) و ۲۰ درصد از صنایع پتروشیمی این سینا همدان را در فرابورس عرضه کند.

وزارت امور اقتصاد و دارایی

وزارت اقتصاد و دارایی باید ۸،۷۲ درصد از ۱۰،۱۵ سهام بانک صادرات، ۱۰،۱۵ درصد از سهام بانک ملت و ۱۱،۱۶ درصد از سهام بانک تجارت را عرضه کند. در این بین نیز باید ۰،۰۱ درصد از سهام بیمه البرز را نیز در بورس عرضه کند. گفتنی است که سازمان خصوصی سازی در اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ سهام ۸ شرکت ملی کشت و صنعت و دامپروری پارس (۲)، مجتمع صنعتی اسفراین، مجتمع صنایع چوب، فلز، پلاستیک و الکترونیک سیما چوب، مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب، پتروشیمی هگمتانه، تولید و بهره‌برداری از سد و نیروگاه شهید عباسپور، گوشت یزد و گسترش کانالیست ایرانیان را آگهی کرد. اما هیچ کدام به فروش نرسید. در میان این شرکت‌های آگهی شده، عرضه مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب و گوشت یزد لغو شد.

سازمان خصوصی سازی نیز در تیرماه آگهی عرضه ۵ شرکت و بانک که شامل شرکت ملی کشت و صنعت و دامپروری پارس، ایران ترانسفو، بانک صادرات ایران، بانک ملت، بانک تجارت را منتشر کرد که عرضه دو بانک ملت و تجارت و همچنین شرکت ایران ترانسفو لغو شد و مابقی انجام نشد.

در دی ماه نیز آگهی صنایع پتروشیمی خلیج فارس قناز بلوک یک درصدی، بلوک دو درصدی و بلوک ۱۵ درصدی منتشر کرد که برای بلوک‌های یک و دو درصدی مشتری وجود نداشت و آگهی بلوک ۱۵ درصدی به علت ابهام در تضمین خریدار به تعویق افتاد.

مرقام؛ جوجه اردک زشت گروه رایانه!

مهدی دهتوی – کارشناس بازار سرمایه

بازار سرمایه در یک سال و نیم اخیر به اندازه قصه‌های هزار و یک شب اتفاقات عجیب و البته تلخی را برای سهامداران بورسی ثبت کرده است. در این بین سهام کوچک بازار شرایط سخت تری را تجربه کردند. یکی از سهم‌هایی که در بین ده سهم با بیشترین ریزش قیمتی قرار دارد، شرکت ایران ارقام با نماد مرقام می‌باشد.

شرکتی با قیمت ۶۵ ساله که سهامدار عمده آن هلدینگ فرهنگیان می‌باشد، و در گروه رایانه بورس قرار دارد. با توجه به شرایط خاصی کروناپی در دو سال اخیر انتظار بیشتری از صنعت رایانه می‌رفت؛ در حالیکه در دنیا صنعت پرداخت الکترونیک شرایط کرونا با جهش قابل توجهی در فروش مواجه شدند، اما در کشور ما شرکت‌های پرداخت از این فرصت طلایی بی‌بهره ماندند. البته ایران ارقام با توجه به ماهیت عملکرد که بیشتر پشتیبانی از خودپردازهای بانکی بود با چالش کاهش فروش در شرایط کروناپی مواجه شد و از این رو سعی کرد از تک محصولی به سمت متنوع کردن سبد فروش محصولات بسود و در این راستا متحمل هزینه‌هایی از نوع سرمایه گذاری بلندمدت و زیرساختاری شد و در کنار شناسایی زبان تسعیر ارز یک قرارداد خارجی با چینی‌ها، مشمول ماده ۱۴۱ گردید. اما حالا مدیران شرکت برای اجرای هرچه بهتر پروژه‌های زیرساختی شرکت به دنبال خروج از ماده ۱۴۱ و تامین مالی طرح‌های بلندمدت خود هستند. در این زمینه فروش دارایی‌ها غیرمولد شرکت آغاز شده و ادامه خواهد داشت و با کاهش زبان انباشته، شرایط لازم برای افزایش سرمایه از تجدید ارزیابی سایر دارایی‌ها از مستغلات زمین فراهم گردد. مدیران مرقام در مجمع عادی سالیانه شرکت که در پنجشنبه ۳۰ دی ماه برگزار شد از نقشه و برنامه ایران ارقام برای خروج از ماده ۱۴۱ و افزایش سرمایه تجدیدی رونمایی کردند. فروش مستغلات با هدف کاهش زبان انباشته و تزریق نقدینگی به شرکت برای اجرای طرح‌ها. همچنین بعد از صفر شدن زبان انباشته با فروش دارایی‌های غیرمولد، افزایش سرمایه ۱۰۰ درصدی از محل تجدید ارزیابی زمینهای شرکت صورت خواهد گرفت. انتقالی که باعث خواهد شد تامین مالی مرقام تسهیل و تسریع گردد و به سمت اجرای پروژه‌های سود دهی که در مجمع رونمایی شد حرکت کند. طرح‌هایی چون تامین تجهیزات اپراتورهای موبایلی مانند راه اندازی سایت 5g و تجهیزات BTS ادامه همکاری با ایرانسل در تامین تجهیزات شبکه با اینترنت، استفاده از MVNO در راستای توسعه دولت الکترونیک و ..

در واقع شرکت ایران ارقام با حفظ فروش محصولات فعلی خود همچون پشتیبانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری شبکه بانکی، تولید و پشتیبانی از طرح صندوق‌های فروشگاهی، حالا رسماً وارد حوزه تلکام خواهد شد. حالا شرکت ایران ارقام با اجرای چنین طرح‌های دیجیتال در صنعت تلکام، به سهامداران خود قول داده است، شرایط بنیادی را تحول بخشد و به بخشی ورود

همراهی همراه اول در دورکاری

کارت‌های دائمی کیلو بایتی ۴ دهم ریتال و برای سیم کارت اعتباری ۵دهم ریتال می‌باشد. همچنین هزینه استفاده از سایت‌های منتخب داخلی برای سیم کارت دائمی ۲ دهم ریتال و سیم کارت اعتباری ۳ دهم ریتال می‌باشد.

طبق جدول شماره ۱، طی چهار سال اخیر درآمدهایی که از کارکرد مشترکین دائمی حاصل گردیده است، به صورت متوالی دارای رشد بوده است. همچنین به علت به وجود آمدن بیماری کووید ۱۹ و خانه نشین شدن اکثر مردم و افزوده شدن ابزارهای اینترنتی برای دور کاری افراد و رواج استفاده از شبکه‌ها استفاده از اینترنت رشد چشمگیری داشته که به دنبال آن درآمدهایی که از این منبع حاصل گشته نیز افزایش یافته است. همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده درآمدی که از استفاده مشترکین از شبکه‌های اینترنتی ایجاد شده است در دوره ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۲ ماهه سال گذشته خود با رشدی حدود ۱۰۵ درصد همراه بوده است. اپراتورهای تلفن همراه در جهان خدماتی هم چون پوشش تلفن همراه، اینترنتی و موارد دیگر را ارائه می‌دهند. امروزه اپراتورهایی موفق اند که خدمات بهتری را برای کاربران خود ایجاد نمایند مانند ایجاد زیر ساخت‌های لازم، خدمات کامپیوتری مناسب، ایجاد سازمان‌هایی برای خدمات و نگهداری، خدمات اینترنتی، خدمات رادیویی و غیره.

در ابتدا تلفن‌های همراه در سال ۱۹۷۹ میلادی برای استفاده تجاری در آمریکا و ژاپن به کار گرفته شد. این تلفن‌ها از سیستم مخابرات سلولی استفاده می‌کردند و بعد از آن با تکامل سیستم مخابراتی سلولی، سیستم‌های دیجیتال منجر به بوجود آمدن نسل دوم تلفن همراه گردید. در این دوره امکان شوند کم تر بود اما تعداد مشترکان رویه بالا حرکت می‌کرد. و بعد از این دوره نیز با افزایش تعداد مشترکین و برطرف شدن مشکلاتی که امکان شنود را ضعیف تر می‌کرد یک سیستم بسیار پیشرفته در ارتباطات مربوط به تلفن همراه بوجود آمد. شرکت ارتباطات سیار ایران نیز که در همین حوزه در کشور ما به فعالیت مشغول می‌باشد هم اکنون با سرمایه‌ای معادل ۴۷ هزار میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریتال در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران فعالیت دارد. تعرفه‌های ارتباطات سیار ایران که چندین سال است که ثابت باقی مانده و تغییری نداشته است برای مکالمه داخل شبکه برای سیم کارت دائمی ۵۹۹ ریتال و برای سیم کارت اعتباری ۸۹۹ ریتال، برای مکالمه بیرون شبکه سیم کارت دائمی و سیم کارت اعتباری نیز همان مبالغ می‌باشد. هزینه ارسال پیامک فارسی برای سیم کارت دائمی، صفحه ای ۸۹ ریتال و برای سیم کارت اعتباری صفحه ای ۱۰۶ ریتال، برای پیامک انگلیسی سیم کارت دائمی صفحه ای ۲۲۲ ریتال و سیم کارت اعتباری صفحه‌ای ۲۶۴ ریتال، در تعرفه‌های عادی اینترنت برای سیم

جدول شماره (۱): مقایسه درآمد	۱۳۹۹	درصد رشد	۱۳۹۸	درصد رشد	۱۳۹۷	درصد رشد	۱۲ماهه سال
درآمد کارکرد مشترکین خطوط دائمی	۸۹,۰۱۲,۶۱۷	۲۹,۳	۶۸,۸۴۱,۵۸۴	۲۲,۲	۵۶,۳۱۴,۴۱۶	۱۷,۵	۴۷,۹۱۴,۵۲۵
درآمد کارکرد مشترکین خطوط اعتباری	۱۲۷,۴۰۸,۳۲۰	۳۸,۴	۹۲,۰۴۳,۹۵۵	۳۸,۶	۶۶,۳۹۰,۲۱۳	۳۱,۹	۵۰,۳۴۰,۳۰۴
درآمد استفاده از اینترنت و امکانات شبکه	۱۵,۴۴۳,۲۵۶	۱۰۴,۸	۷,۵۵۲,۲۰۲	-۳۳,۳	۱۱,۳۱۸,۹۶۸	۶,۹	۱۰,۵۹۱,۸۰۵
درآمد فروش خطوط تلفن	۶۸۸,۲۹۲	۲۱,۵	۵۶۶,۰۰۷	-۱۹,۴	۷۰۲,۵۶۵	-۶۴,۳	۱,۹۶۸,۳۱۴
خالص خدمات ارزش افزوده	۳۰,۳۶۴۱	-۹۰,۴	۳,۱۵۴,۵۷۲	-۳۱,۷	۴,۶۱۷,۷۵۰	-۵,۶	۴,۸۹۰,۴۷۵
درآمد دفاتر خدماتی	۱,۴۴۱,۱۰۶	۶۰,۸	۸۹۶,۳۱۷	۰,۲	۸۹۴,۴۰۰	-۳۳,۱	۱,۳۳۶,۷۴۹
سایر درآمدها	۱۶,۰۴۳	-۷۶,۱	۶۶,۹۸۹	-۵۹,۰	۱۶۳,۴۷۷	-۸۹,۷	۱,۵۹۳,۵۲۸

هدف	برنامه‌های آتی در حوزه توسعه محصولات و خدمات
	افزادان اینترنتیک
	مهم‌ترین اهداف توسعه پروژهای
	توسعه حوزه پول‌های دیجیتال نظیرتوکن‌های BTS و
	حوزه و فروش توکن‌های SOK
	توسعه بازار محصولات BTM و CRS و ارتباط با سایر تولیدکنندگان معتبر
	مقد قراردادهای تجاری با شرکت‌های تولیدکننده ماشین‌متر در حوزه بانک
	توسعه اینترنت آپ استودیو
	مقد توافق نامه با اینترنت‌ها و فین‌تک‌های معتبر
	بازاریابی، فروش و خدمات پشتیبانی پایانه‌های فروش دستگاه‌های کارتخوان
	حوزه و خدمات دستگاه‌های AI in ODO
	دوره‌های حوزه پرداخت بازی و گسترش حوزه پرداخت
	تولید و عرضه موبایل‌های 4G
	راه‌اندازی شبکه مراکز پیکت
	توسعه شبکه باشگاه مشتریان
	طراحی و توسعه محصولات نرم‌افزاری غیر بانکی و دیجیتال‌های موبایل
	موبایل و عرضه دستگاه‌های شارژ آموزی
	طراحی و تولید کارت‌خوان‌های سیار
	راه‌اندازی مرکز فنی تخصصی (گزارشی و تعمیرات دستگاه‌های نرم‌افزاری)
	بازاریابی، فروش و پشتیبانی دستگاه‌های کارت‌خوان
	تحقیق و توسعه در حوزه بانکداری دیجیتال
	حوزه انواع سرویس‌های حوزه MVNO
	باز طراحی مجدد محصولات و خدمات حوزه خوش‌انجامی
	طراحی و تولید کارت‌خوان‌های سیار
	راه‌اندازی مرکز فنی تخصصی (گزارشی و تعمیرات دستگاه‌های نرم‌افزاری)
	بازاریابی، فروش و پشتیبانی دستگاه‌های کارت‌خوان
	تحقیق و توسعه در حوزه بانکداری دیجیتال
	حوزه انواع سرویس‌های حوزه MVNO
	باز طراحی مجدد محصولات و خدمات حوزه خوش‌انجامی

کرده است که سودآوری داشته باشد. هرچند هنوز در مرحله سرمایه‌گذاری است و سهامداران باید صبر پیشه کنند تا شاهد شکوفایی و تحول مرقام باشند. با توجه بخشی به سبد محصولات و کاهش ریسک‌های آتی، ایران ارقام خواهد توانست، یک فروش فزاینده معقول را برای سالهای آینده سهامداران خود تضمین کند. در صورتیکه به گفته مدیران ایران ارقام، نقشه راه شرکت در مدت زمان یک تا دو سال به خوبی پیش برود، شاهد پرواز این جوجه اردک زشت گروه انفورماتیک خواهیم بود. شرکت ایران ارقام به واسطه تجربه بالای خدمت رسانی و کسب رضایت مشتریان خود، با توجه به نیازهای متغیر مشتریان و با در نظر داشتن اهداف استراتژیک خود اقداماتی راهبردی تدوین نموده است. این اقدامات که اهم آن‌ها ذیلاً مشاهده می‌شود در دو حوزه توسعه و پشتیبان مدیریت تعریف شده اند.

چه کنیم که منابع شرکت‌ها در بانک‌ها سپرده نشود

تهدید روحی کارشناس بازار سرمایه

یکی از معضلات بزرگ اقتصادهای بیمار هدر رفتن پیهوده سرمایه‌هاست. سرمایه‌هایی که باید با یک مدیریت درست در جهت رونق اقتصادی به کار گرفته شوند. متأسفانه با خروج از مسیرهای درست به بیراهه‌های خطرناک اسراف و حیف و میل بیست المال راه پیدا می‌کنند.

ایجاد زمینه مناسب و رونق اقتصادی با جهت دهی به سرمایه‌ها به سمت تولید محقق می‌شود. طی این امر بازده سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش و ریسک زمانی و مالی آن نسبت به سرمایه‌گذاری در بازارهای موازی مانند ملک، ارز، طلا، واسطه‌گری و سپرده‌گذاری بانکی کاهش می‌یابد. اما چه راهکارهایی را برای تغییر مسیر نقدینگی‌ها به سمت تولید می‌توان پیشنهاد کرد؟

مسئله اول: به‌عنوان اولین مشکل موثری که می‌توان از آن یاد کرد فقدان بسترهای قانونی مناسب و همچنین بی ثباتی و اعمال سلیقه ای و نادرست قوانین موجود هستند. ظاهراً در این مسیر نیازمند تدوین قوانین درست و مناسب و قدرتمند هستیم. قوانین مالیات، تجارت، بیمه، واردات، صادرات و عوارض مواد اولیه.

مسئله دوم: دولت باید با مرتفع سازی موانعی که

هزینه تولید را افزایش می‌دهد بخش تولید را در پیشبرد اهداف عالی اقتصادی یاری نماید. برای مثال واحدی که با سرمایه اولیه بالا و به سختی توانسته چرخ تولید خود را به حرکت در آورد جهت ادامه تولید نیازمند مواد اولیه ایست که از طریق واردات به دستش می‌رسد. به دلیل تحریم بانکی ایران و قطع ارتباط بانک‌های دنیا با ما، تولید کننده می‌باید با پرداخت ۲۰ درصد هزینه اضافی جهت انتقال پول، مواد اولیه مورد نیاز خود را تهیه نماید. علاوه بر این هزینه، زمان بر بودن این پروسه نیز ریسک به موقع فراهم نشدن مواد اولیه و در نتیجه به تعویق افتادن تعهدات و از دست دادن مشتریان را افزایش خواهد داد. این مشکلات به از بین رفتن اعتبار واحد

تولیدی خواهد انجامید. نکته بعدی اینکه دولت باید با ایجاد مکانیزم‌های درست مانع از قطعی انرژی‌های اولیه و حیاتی مانند گاز و گازوئیل و برق شرکت‌های تولیدی گردد و آنها را در اولویت مصرف قرار دهد.

مسئله سوم: اعمال سیاست‌های تشویقی به بخش تولید یکی از عوامل انگیزشی به بخش تولید اعمال سیاست‌های تشویقی است. به‌عنوان مثال واحدی که محصولات تولیدی و صنعتی خود را صادر و مبلغ حاصل از صادرات را دریافت و به حسابش واریز می‌گردد مشمول آدرصد پاداش قرار گیرد.

مسئله چهارم: عوارض و حق بهره‌برداری‌هایی که دولت برای تولید اعمال می‌کند باید به حداقل کاهش یابد. لازم است نرخ بهره بانکی برای واحدهای تولیدی کاهش یابد و برای آنها یارانه‌هایی در نظر گرفته شود. برای مثال در کشوری مانند عربستان نرخ سود بانکی ۴۳ درصد است. اما در ایران با نرخ ۲۵ درصد سود بانکی مواجه ایم. خوشبختانه‌ترین حالت نرخ ۱۵ درصد است که باز هم نسبت به همسایه مان ۴۵ برابر نرخ سود بالاتری داریم که این مشکل به تنهایی می‌تواند توان رقابت را از تولید کننده داخلی گرفته که خود منشا مشکلات عدیده‌ای گردد.

مسئله پنجم: دخالت دولت در تعیین مدیر و هیات مدیره شرکت‌ها از عوامل ضربه زننده به بخش تولید است. عدم دخالت در این پروسه کمک شایان توجهی به بخش تولید خواهد کرد. اگر انجام این امور را به بخش خصوصی که قوی و متمرکز هستند واگذار نمایند، مطمئناً تولیدکننده با انگیزه بیشتری به راه خود ادامه خواهد داد. **مسئله ششم:** متأسفانه دولت با دخالت در قیمت‌گذاری محصولات تولیدی، جریان رقابتی تولید را به نوعی به بی تحرکی و بی انگیزگی وادار می‌کند و با قیمت‌گذاری‌های دستوری ناخواسته به جریان قاصد دلالی کمک می‌کند. در این مسیر سود حاصل از تولید عاید مردم و تولید کننده نمی‌گردد و به جیب واسطه‌ها و دلال‌ها می‌رود. **مسئله هفتم:** موانعی که بر سر راه شرکت‌های

جواد مقدم کارشناس بازار سرمایه

افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی عملاً یک سود تحقق نیافته است. در حسابداری مفهومی وجود دارد که به موجب آن عنوان می‌شود که ضمن تکمیل فرایند کسب سود، معامله (فروش) هم صورت گرفته باشد. اما در موضوع تجدید ارزیابی، معامله‌ای صورت نپذیرفته است.

در حال حاضر کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه آن تورم موجب تفاوت ارزش واقعی دارایی‌ها با ارزش دفتری دارایی‌ها شده است که این امر موجب کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به صورتهای مالی شده است و سبب شده است تا شفافیت ترازنامه (صور وضعیت مالی) و سود و زیان مورد تردید قرار گیرد. براین اساس است که شرکت‌ها مبادرت به افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌نمایند. البته منع افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها در دنیا را به راحتی در استانداردهای حسابداری ایران که برگرفته از استانداردهای حسابداری جهانی است می‌توان مشاهده کرد. بر این اساس است که در قانون بودجه کشور افزایش سرمایه از این محل مجاز شده است. در این میان شرکت‌هایی که مجاز به افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها هستند عبارتند از:

۱- بانک‌ها، بیمه‌ها و موسسات مالی؛ بانک‌ها با افزایش سرمایه کفایت سرمایه را بهبود داده و قدرت وام دهی خود را افزایش می‌دهند. بیمه‌ها نیز با افزایش سرمایه اسمی خود می‌توانند قدرت خود را برای افزایش سرمایه‌گذاری افزایش دهند. ۲- شرکت‌هایی که دچار بحران مالی هستند و اغلب ورشکسته هستند (مشمول ماده ۱۴۱) شرکت‌هایی که حتی کاهش سرمایه نمی‌تواند درمان و چاره ای برای آنها باشد افزایش سرمایه از این محل را انجام می‌دهند. با این روش ضمن

تجدید سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت

نجات از ورشکستگی، قادر به دریافت وام می‌شوند.

۳- شرکت‌هایی با حاشیه سود مطمئن و وضعیت خوب عملیاتی؛ اینگونه شرکت‌ها که عمدتاً قدیمی‌هستند و سرمایه اسمی کمی دارند به منظور استفاده از ظرفیت بدهی و دریافت تسهیلات مالی بیشتر اقدام به افزایش سرمایه از این محل می‌نمایند. عموماً شرکت‌های قدیمی با نرخ دلار کم تری دارایی‌های خود را در دفاتر شناسایی نموده‌اند و به تبع آن هزینه استهلاکی در دفاتر خود شناسایی می‌کنند که این هزینه به نرخ اسمی بوده است. لذا این موضوع باعث می‌شود که سود شرکت افزایش یابد و مالیات بیشتری پرداخت شود. بر این اساس به اندازه خروجی منابع از شرکت سرمایه‌گذاری جدید صورت نمی‌گیرد و با کاهش توان سرمایه‌گذاری، افق سرمایه‌گذاری شرکت‌ها متغی می‌شود.

مزایای افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی

افزایش قدرت وام‌گیری و تقلیل برخی محدودیت‌های موجود برای اخذ تسهیلات از بانک‌ها، شفافیت صورتهای مالی (ترازنامه و سود و زیان) و به روز شدن دارایی‌ها، افزایش ثروت سهامداران

(در نتیجه خطای روانی سهامداران، رقیب شدن سهام از جمله مزایای این شیوه از افزایش سرمایه است. همچنین با توجه به بازگویی مناسب نسبت‌های ROE و ROA، افزایش سرمایه از این محل موجب ارزیابی بهتر هیات مدیره می‌شود. از سوی دیگر از افزایش اندازه شرکت (بزرگ شدن Size شرکت) و جلوگیری از تقسیم سود زیاد بین سهامداران در نتیجه افزایش هزینه

استهلاک را می‌توان به عنوان دیگر مزایای این نوع افزایش سرمایه برشمرد.

معایب افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی

اگرچه در این میان اصلاح ترازنامه (صور وضعیت مالی) به صورت شکلی و نه محتوایی، عدم ورود نقدینگی به شرکت، عدم تأثیر بر تداوم فعالیت شرکت به عنوان معایب این نوع افزایش سرمایه مطرح هستند. همچنین مدیران در مورد این نوع افزایش سرمایه مقاومت دارند چرا که این افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها عملکرد آنها را بهتر به نمایش می‌گذارد. افزایش هزینه‌های استهلاک دارایی‌های تجدید ارزیابی شده استهلاک پذیر، کاهش سود شرکت و همچنین غیرقابل قبول بودن مالیاتی هزینه‌های استهلاک دارایی تجدید ارزیابی شده دیگر مواردی است که به عنوان معایب این نوع افزایش سرمایه مطرح است.

افزایش سرمایه از محل معایب این نوع افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها

شرکت‌های سرمایه‌گذاری از محل شرکت‌هایی که سهام مدیریتی (فرعی و وابسته) دارند می‌توانند افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی بدهند. اولین نمونه از این تجدید این امر در بازار امسال، شرکت سستا بود که سرمایه خود را با این نوع افزایش سرمایه از ۱۴۲ هزار میلیارد ریال به ۱،۶۳۶ هزار میلیارد ریال رساند. همچنین در شرکت پتروشیمی پارس

لزوم تعریف طرح‌های توسعه در صنعت فولاد

محمد کشانی مدیرعامل فولاد بناب

برای جلوگیری سپرده گذاری منابع مالی شرکت‌های فعال در صنعت فولاد در بانک‌ها، این شرکت‌ها باید به سمت تولید گام بردارند و به تعریف طرح‌های توسعه‌ای بپردازند. در این میان شرکت‌های برخوردار از طرح‌های توسعه‌ای باید با بهره‌گیری از نقدینگی خود به تکمیل طرح‌های توسعه مبادرت ورزند. همچنین شرکت‌هایی که فاقد هر گونه طرح توسعه‌ای هستند باید به تعریف این طرح‌ها بپردازند.

شرکت‌هایی که مازاد نقدینگی خود را صرف تعریف طرح‌های توسعه‌ای نکرده و به سپرده‌گذاری در بانک‌ها مبادرت می‌ورزند به ایجاد اختلال می‌پردازند و کم لطفی به جامعه است.

در این میان به رغم کمبود نقدینگی در جامعه، باید گفت که فولادی‌ها مستثنی شده و شرایط بازار فولاد در اقتصاد کشور خوب بوده است. این شرکت‌ها با برخورداری از نقدینگی مناسب تنها باید به مدیریت نقدینگی بپردازند و ساختار مالی خود را بهینه سازند.



سرمایه از ۶ هزار میلیارد ریال به ۴۸۲ هزار میلیارد ریال افزایش یافت.

بر این اساس ذکر این نکته ضروریست که این نوع افزایش سرمایه‌ها منجر به ورود نقدینگی نمی‌شود. در این راستاست که حساب‌رسان شرکت‌ها در گزارش حسابرسی با این مضمون که «گزارش مزبور با هدف اصلاح ساختار مالی از محل تجدید ارزیابی بلند مدت انجام شده است و افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی منجر به ورود وجه نقد نمی‌شود» به این عدم ورود نقدینگی اشاره می‌کنند. اما با این حال در شرکت‌های سرمایه‌گذاری به دلیل اختصاص بیشترین سهم پرتفوی به وجود سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت، افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی ارزشمندتر است. اما عکس آن نیز وجود دارد. در شرکتی که املاک ارزشمندی وجود دارد افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی نسبت به پرتفوی سرمایه‌گذاری بلند مدت ارجحیت دارد.

در مورد این موضوع که آیا در حال حاضر افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی می‌تواند به بازار کمک کند یا خیر باید به این موضوع اشاره کنم که: پول موجودی هوشمند است و به سمتی حرکت می‌کند که از بیشترین بازدهی و کمترین ریسک برخوردار شود. لذا مدیریت ریسک نسبت به مدیریت بازده در اولویت قرار گرفته است. بر این اساس افراد در سرمایه‌گذاری‌های خود ابتدا ریسک نسبت به بازده مدنظر قرار می‌دهند. باقی ماندن ابله‌هاست و ریسک‌ها، میزان مشارکت سهامداران حقیقی را در افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی کاهش می‌دهد و نسبت حقوقی‌ها در سهم‌ها نسبت به قبل بیشتر می‌شود. در پایان راهکاری که بتواند اقبال سهامداران را به بازار و مشارکت در افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی را فراهم کند زمانی است که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی در بازار کاهش یابد تا در نهایت احساسات سرمایه‌گذاران نیز کاهش یابد.

پرتفوی غیربورسی شرکت‌های سرمایه‌گذاری زیر ذره‌بین

محرم رزمجویی

مدیر سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه‌گذاری امید



افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها تنها روش تأمین مالی است که منجر به ورود وجه نقد به شرکت‌ها نمی‌شود و فاقد اثر گذاری تأمین مالی در شرکت‌هاست. تنها اثر آن بهبود ساختار سرمایه شرکت‌ها و ایزازی برای خروج شرکت‌های زیان‌ده از مشمولیت ماده ۱۴۱ است. در این میان اعمال این نوع افزایش سرمایه در مورد هلدینگ‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به شفاف سازی صورت وضعیت دارایی‌ها شود.

به واقع این نوع افزایش سرمایه ناظر به پرتفوی و دارایی‌های غیر بورسی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری دارد. طی چندسال گذشته شرکت‌ها از محل دارایی‌های مالی خود مبادرت به انجام این نوع افزایش سرمایه نموده‌اند که می‌توان از افزایش سرمایه شستا به عنوان بزرگترین و مهمترین افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی‌ها نام برد.

اعمال این نوع افزایش سرمایه در دوران روند کاهشی بازار سرمایه ارزش روز دارایی‌های بورسی را با ریسک کاهش ارزش روز و به تبع آن ارزش خالص دارایی‌های شرکت مواجه می‌سازد.

نگاه صنعت پتروشیمی به سود سپرده‌های بانکی

سرمایه‌گذاری نفت و گاز تأمین، پتروشیمی‌چم، پتروشیمی‌نوری، پتروشیمی‌مبین، پتروشیمی‌پردیس، پلی‌پروپیلن‌چم، پتروشیمی‌خارک، پتروشیمی‌فجر و پتروشیمی‌شازند، پتروشیمی‌پردیس، و گروه گسترش نفت و گاز پارس‌پان می‌باشند.

حساب سپرده بانکی این شرکت‌ها در جدول شماره ۱ آورده شده است که نشان دهنده مبلغی می‌باشد که شرکت‌ها در بانک‌ها سپرده کرده‌اند و بهره آن را دریافت می‌کنند. از بین این شرکت‌های نام برده شده شرکت‌های پتروشیمی‌چم، پتروشیمی‌نوری، مبین انرژی خلیج‌فارس، پلی‌پروپیلن‌چم، پتروشیمی‌خارک، فجر انرژی خلیج‌فارس و پتروشیمی‌پردیس شرکت‌های تولیدی می‌باشند. طبق جدول شماره ۱ می‌بینیم که پتروشیمی‌نوری ۹۶ درصد از نقدینگی خود را و پتروشیمی‌چم ۳۸ درصد، مبین انرژی خلیج‌فارس ۳۰ درصد، پلی‌پروپیلن‌چم ۱۰۰ درصد، پتروشیمی‌خارک ۹۹ درصد را در سپرده‌های بانکی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

نفت و مشتقات آن نه تنها نیاز انسان را در زمینه سوخت و انرژی فراهم می‌کند بلکه سبب پیدایش و تکامل صنایع گوناگون دیگری از جمله پالایشگاهی و پتروشیمی‌گردیده است.

صنعت پتروشیمی که یکی از مهم‌ترین صنایع در کشور ما می‌باشد در سال ۱۳۹۸، ۱۵ میلیارد دلار درآمد داشته است و این صنعت توانسته ۸۵ درصد از تعهدات خود را در سامانه نیما عرضه نماید. صنعت پتروشیمی بخشی از فرآورده‌های شیمیایی را از نفت و یا گاز طبیعی تولید می‌کند. از مواد پتروشیمی‌در تولید رنگ، اتومبیل، کاغذ، لوله، فلزات اولیه، لوازم الکترونیکی، مواد پاک‌کننده، مصالح ساختمانی، پوشاک و منسوجات، دارو و آنتی‌بیوتیک، پلاستیک، پلیمر و غیره استفاده می‌گردد.

شرکت‌هایی که در صنعت پتروشیمی از لحاظ تعداد معاملات در بازار بورس سهم چشمگیری دارند و شرکت‌هایی که بر شاخص کل بازار تأثیر گذارند عبارتند از: صنایع پتروشیمی خلیج فارس، شرکت

سودآوری در صنعت فولاد؛ بانک یا تولید

شرکت بزرگ فولادی در بازار سرمایه پرداخته‌ایم. چراکه در شرکت‌هایی که در زمینه تولید فولاد فعالیت دارند این سوال مطرح می‌شود که چرا به جای اینکه سهمی از دارایی این شرکت بابت تولید بیشتر مصرف گردد و سبب سودآوری و رفع نیازهای متقاضی گردد باید در بانک‌ها بخواهد و ماهانه سود اندکی را دریافت نماید. در جدول شماره ۲، ۱۳ شرکت بزرگ بازار سرمایه آورده شده است که از بین این شرکت‌ها، شرکت‌های فولاد مبارکه اصفهان، ملی صنایع مس ایران، فولاد هرمزگان جنوب، فولاد خوزستان، مجتمع جهان فولاد سیرجان، ذوب آهن اصفهان، کالاسمین، فروسیس ایران، پارس فولاد سبزواری، صنعتی سپنتا، ذوب روی اصفهان شرکت‌های تولیدی و شرکت مادر تخصصی توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه و شرکت سرمایه‌گذاری توکا فولاد بر سرمایه‌گذاری بر روی این صنعت تمرکز کرده‌اند.

فولاد یکی از مهم‌ترین مواد در یک جامعه صنعتی مانند کشور ما می‌باشد. فولاد از مقادیر کمی کربن و عناصر آلیاژی تشکیل می‌شود و می‌تواند به صورت هزاران ترکیب و ایجاد محصولات متنوع نیازهای مختلف یک جامعه را برطرف نماید. آهن‌آلات در تولید وسایل حمل و نقل، ساختمان سازی، آزاد سازی انرژی مانند الکتریسیته و گاز طبیعی، تولید غذا یا کمک به ماشین‌های کشاورزی، آپرسانی به وسیله پمپ‌ها و خطوط لوله کاربرد فراوانی دارند.

با توجه به موارد زیادی از نیازهای یک کشور که توسط صنعت فولاد تأمین می‌شود و همچنین بالا رفتن نیاز به این صنعت، تولید یا پیشرفت تکنولوژی تغییرات زیادی به همراه داشته است که تمامی تولید کنندگان فلزات اساسی سعی در بالا بردن بهره‌وری و استفاده از انرژی و سوخت‌های ارزان داشته‌اند.

در این گزارش به میزان سپرده‌های نزد بانک چند

جدول شماره ۲: سپرده‌های نزد بانک شرکت‌های فولادی

ردیف	نماد شرکت	سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	درصد سپرده گذاری در بانک	سرمایه‌گذاری بلندمدت	درصد سپرده گذاری در بانک
۱	فولاد	۸۴,۷۹۶,۷۳۳	۴۸	۱۳۰,۶۱۰,۸۱۰	۰
۲	فملی	۵۸,۲۴۱,۳۷۸	۱۰۰	۸۹,۵۴۱,۰۴۲	۳۹
۳	میدکو	۰	۰	۶۶,۹۶۶,۱۹۰	۰
۴	هرمز	۰	۰	۶,۴۹۳,۵۷۳	۰
۵	فخیز	۳,۶۵۷,۸۸۴	۱۰۰	۱۰,۳۸۵,۰۹۱	۰
۶	فصهان	۰	۰	۳,۳۳۲,۴۷۸	۴۴
۷	ذوب	۶۰۰,۰۰۰	۱۰۰	۳,۶۲۰,۶۶۱	۰
۸	فاسمین	۷۴۳,۰۷۱	۰	۶۶۵,۳۶۲	۰
۹	فروس	۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰	۳۰,۸۱۴	۰
۱۰	فسبزو	۰	۰	۱,۵۰۰,۰۰۱	۱۰۰
۱۱	توکا	۱۴,۷۹۵	۰	۵,۵۳۱,۸۹۸	۰
۱۲	سپنتا	۱۶۶	۰	۱۲۹,۶۹۶	۰
۱۳	فروی	۰	۰	۹۴۲	۰

افزایش سرمایه مورد علاقه هلدینگ‌های چندرشته‌ای بازار سرمایه



سود انباشته بوده است. افزایش سرمایه سال ۱۳۹۴ این شرکت از محل مطالبات و آورده نقدی و در سال ۱۳۹۹ از محل اندوخته صورت پذیرفته است. در افزایش سال ۱۳۹۹ «وبانک» که معادل ۶۸ درصد بوده است سرمایه‌این شرکت از ۱۶ هزار میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال به ۲۷ هزار میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال رسیده است. شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران نیز با «ونیک» ۶ مرتبه عمل افزایش سرمایه را انجام داده است و با این افزایش سرمایه‌ها، سرمایه خود را تا ۳۵ هزار میلیارد ریال افزایش داد. از محل سود انباشته در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۲ میادرت به افزایش سرمایه کرد. در سال ۱۳۸۳ از محل مطالبات و سود انباشته، در سال ۱۳۹۳ از محل مطالبات و آورده نقدی و در سال ۱۳۹۹ افزایش سرمایه ۱۵۰ درصدی این شرکت از محل سود انباشته، سرمایه شرکت از ۷ هزار میلیارد ریال به ۱۷ هزار میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال رساند. همچنین در سال ۱۴۰۰ این شرکت افزایش سرمایه‌ای معادل ۱۰۰ درصد از محل اندوخته سرمایه‌ای، مطالبات و آورده نقدی انجام داد که به واسطه آن سرمایه شرکت را به مبلغ ۳۵ هزار میلیارد ریال رساند.

شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی یا «وصندوق» با ۸ مرتبه افزایش سرمایه که همه آنها از محل آورده نقدی و مطالبات حال شده سهامداران بوده سرمایه خود را به ۲۷ هزار میلیارد ریال افزایش داد. افزایش سرمایه‌های این شرکت در سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵ انجام گرفته که طبق آخرین افزایش سرمایه، سرمایه‌این شرکت از ۱۴ هزار میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال به ۲۷ هزار میلیارد ریال رسیده که معادل ۸۷۵ درصد خواهد بود. در نهایت گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید و با «وامید» در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ از محل مطالبات حال شده و سود انباشته، در سال ۱۳۸۸ از محل اندوخته سرمایه‌ای، در سال ۱۳۹۰ از محل آورده نقدی از طریق سلب حق تقدم، در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ نیز از محل مطالبات حال شده و آورده نقدی انجام گرفته است که آخرین افزایش سرمایه این شرکت از مبلغ ۲۰ هزار میلیارد ریال به ۳۰ هزار میلیارد ریال معادل ۵۰ درصد در سال ۱۳۹۴ بوده است. این شرکت در سال ۱۳۹۹ در نظر داشت تا سرمایه خود را معادل ۲۳۳ درصد از مبلغ ۳۰ هزار میلیارد ریال به ۱۰۰ هزار میلیارد ریال برساند که هنوز این افزایش سرمایه را انجام نداده است.

شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی شرکت‌های بزرگی هستند که فعالیت آن‌ها سرمایه‌گذاری در سایر شرکت‌ها است که در بازار سرمایه می‌توان به سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا)، سرمایه‌گذاری غدیر (وغدیر)، سرمایه‌گذاری گروه توسعه ملی (وبانک)، سرمایه‌گذاری ملی ایران (ونیک)، سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی (وصندوق)، و گروه مدیریت سرمایه‌گذاری امید (وامید) اشاره کرد.

در بررسی افزایش سرمایه‌هایی که در این شرکت‌های چند رشته‌ای صنعتی یا به عبارتی در این هلدینگ‌ها انجام گرفته است شاهد موارد زیر بوده‌ایم. شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی یا نماد «شستا» که در سال ۱۳۷۹ به عنوان یک شرکت سهامی عام در بازار بورس اوراق بهادار تهران به ثبت رسیده است بطور کلی با طی ۱۵ مرتبه افزایش سرمایه، در حال حاضر سرمایه‌این شرکت از ۳۵ میلیارد ریال به ۱۴۹۴ هزار میلیارد ریال رسیده است. این افزایش سرمایه‌ها در سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۳، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۹ و ۲ مرتبه افزایش سرمایه در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. ۱۳ مرتبه از افزایش سرمایه‌های انجام شده یا از محل آورده نقدی بوده یا مطالبات حال شده سهامداران یا هر دو مورد بوده است. اما در سال ۱۴۰۰ افزایش سرمایه‌های انجام شده در ابتدا از محل اندوخته سرمایه‌ای و در آخرین افزایش سرمایه از محل مزاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها صورت گرفته است. آخرین افزایش سرمایه‌این شرکت که از محل مزاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها صورت گرفته معادل ۹۵۲ درصد بوده است که به واسطه آن سرمایه شرکت از ۱۴۲ هزار میلیارد ریال به ۱۴۹۴ هزار میلیارد ریال رسید.

در شرکت سرمایه‌گذاری غدیر یا «وغدیر»، ۱۴ مرتبه افزایش سرمایه رخ داده که به این واسطه سرمایه شرکت از ۱۰ میلیارد ریال به ۷۲ هزار میلیارد ریال رسیده است. افزایش سرمایه‌این شرکت در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ از محل آورده نقدی، در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲ از محل اندوخته سرمایه‌ای بوده است. در سال ۱۳۸۳ دو مرتبه این شرکت افزایش سرمایه داشته است که بار اول از محل اندوخته سرمایه‌ای و بار دوم از محل آورده نقدی بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۶ از محل اندوخته سرمایه‌ای، در سال ۱۳۹۰ از محل آورده نقدی و سود انباشته و اندوخته سرمایه‌ای، در سال ۱۳۹۲ از محل سود انباشته، در سال ۱۳۹۳ از محل مطالبات و آورده نقدی و سود انباشته، در سال ۱۳۹۴ از محل مطالبات و آورده نقدی و در سال ۱۳۹۵ که معادل ۵۶ درصد بود در این افزایش سرمایه از مبلغ ۴۶ هزار میلیارد و ۸۰ میلیون ریال به ۷۲ هزار میلیارد ریال بوده که ۳۴ درصد آن از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی و مابقی از محل سایر اندوخته صورت گرفته است.

در شرکت سرمایه‌گذاری گروه توسعه ملی یا «وبانک» نیز در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ افزایش سرمایه‌ای از محل مطالبات و آورده نقدی، سال ۱۳۸۰ از محل اندوخته سرمایه‌ای و سود انباشته، سال ۱۳۸۲ از محل اندوخته سرمایه‌ای صورت گرفته است. سال ۱۳۸۳ نیز ۲ مرتبه افزایش سرمایه انجام شده که بار اول از محل مطالبات و آورده نقدی و بار دوم از محل اندوخته سرمایه‌ای، سال ۱۳۹۲ نیز افزایش سرمایه ۲ مرتبه انجام گردیده است که هر ۲ مرتبه از محل اندوخته سرمایه‌ای و

تجدید منهای دارایی فیزیکی

ساجد

مدیر صندوق سرمایه‌گذاری کارگزاری بانک خاورمیانه

هلدینگ‌ها به واسطه مالکیت‌های بالای سهامداری در شرکت‌ها می‌توانند افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها را در دارایی‌های مالی خود یعنی در پرتفوی اعمال کنند. در واقع عدم برخورداری از دارایی فیزیکی و املاک در هلدینگ‌ها مانع از تحقق افزایش سرمایه از محل دارایی‌های فیزیکی در این گروه از شرکت‌های بورسی می‌شود.

به روز رسانی ارزش سهام در پرتفوی شرکت‌های سرمایه‌گذاری

محمد جعفر زاده

مدیر برنامه‌ریزی شرکت سرمایه‌گذاری مدار

شرکت‌های سرمایه‌گذاری امکان افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی به واسطه سهام خود را دارند، اما بیشتر برای هلدینگ‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه آنهایی که سابقه بیشتری دارند اغلب شرکت‌های زیرمجموعه خود را که به بهای تمام‌شده پایینی تحت تملک خود درآورده‌اند، به عنوان دارایی، مورد تجدید ارزیابی قرار می‌دهند. بنابراین فرصت به‌روزرسانی ارزش سرمایه‌گذاری‌ها در پرتفوی بورسی و غیربورسی آنها قابل توجه است. ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در زمره دارایی‌های استهلاک‌پذیر قرار ندارد و از این جهت هزینه‌ای به شرکت تحمیل نمی‌شود. براین اساس، شرکت‌هایی که کمترین NAV را در بازار سهام دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند. این پتانسیل می‌تواند به شرکت‌های فعال در صنایع بانکی، بیمه‌ای، دارویی، خودرویی، پتروشیمی و حتی انبوه‌سازی کمک شایانی کند.



فاصله بین نهاد ناظر و نظارت

ساختار اقتصاد دولتی و مداخلات دولت در تمامی ارکان و اجزای اقتصاد کشور، مانع از ایجاد یک اقتصاد پویا و جایک که سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و اشخاص حقیقی بتوانند با اعتماد و اطمینان کافی در آن مشارکت داشته باشند، می‌گردد. همچنین وجود و ایجاد یک بازار سرمایه کارآمد و کار در وهله اول بستگی به شرایط کلان اقتصادی کشور، سیاست‌های اقتصادی و عملکرد مجریان دارد. در وهله بعد، محیط قانونی و ساختار حقوقی بازار سرمایه است که نقش بسزایی در جلب اطمینان سرمایه‌گذاران برای ورود به بازار سرمایه و تداوم حضور آنها در این بازار دارد.

محمود الهی‌فرد
مدیرعامل کارگزاری سی ولکس

وضعیت کنونی بازار سرمایه‌ایران نشان دهنده این است که این بازار به قدر کافی توسعه نیافته و نمی‌تواند وظیفه اصلی خود که انتقال وجوه از بخش‌های دارای مازاد نقدینگی به بخش‌های تولیدی و صنعتی است را به خوبی انجام دهد. به‌نظر می‌رسد علت اولیه و اصلی مشکلات فعلی حاکم بر بازار اوراق بهادار، کاهش اعتماد عمومی در سطوح کارشناسی و عموم مردم به دلیل مداخلات غیرکارشناسی دولت بویژه در دو سال اخیر که مغایر با ماهیت بورس نیز می‌باشد، بوده است.

در بعد فنی هم، برخی از صاحب‌نظران اقتصادی بر این باورند که علت اصلی این وضعیت و مشکلات عدیده در تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری و توسعه پروژه‌ها، فقدان نوآوری‌های مالی و عدم استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی و همچنین عدم نظارت صحیح بر بازارها - به رغم وجود انبوه مقررات و دستورالعمل‌های نظارتی که ناگفته نماند در برخی موارد نحوه ی اعمال و اجرای همین نظارت‌ها مانع از توسعه بازار می‌گردد بی آنکه کارکرد اصلاحی و بازدارندگی قابل قبولی داشته باشد - می‌باشد.

نقش و جایگاه نظارت بر بازار سرمایه بسیار مهم و حائز اهمیت است و عدم توجه به این امر مهم، موجب نگرانی‌های اساسی و جدی است؛ به حدی که آثار منفی آن می‌تواند باعث دگرگونی در نظام اقتصادی و

تبعات سیاسی خطیری در بر داشته باشد. طی سال‌های اخیر در سطح جهانی مطالعات مفصلی در این زمینه انجام شده است. عمده بحث این است که نظارت یا تنظیم مقررات ؟ و یا ترکیبی از هر دو (تنظیم مقررات و نظارت)؛ کدامیک بر بازار سرمایه حاکم باشد. همه می‌دانیم که عدم وجود مقررات جامع و کامل و همچنین عدم نظارت صحیح و نظاممند بر فعالیت‌ها در بازارهای سرمایه، بحران‌های شدید و عمیقی در طی زمان‌های مختلف ایجاد کرده است. آیا دولت‌ها باید در بازار سرمایه دخالت نمایند و یا فقط مقررات را تنظیم و در بازار سرمایه دخالتی نداشته باشند؟

دو گروه وجود دارد که گروه اول مخالف دخالت دولت هستند و اعتقاد دارند که بازار از متخصصین و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای تشکیل شده و توانایی رفع مشکلات خود را دارد و بر خلاف اعتقاد گروه اول، گروه دوم اعتقاد به دخالت دولت جهت رفع مشکلات دارند. در کل باید گفت که بازار به وجود مقررات قوی نیازمند است و این امر وجود کنترل، بازرسی و هدایت صحیح بازار را ایجاد می‌نماید. به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذار باید وضعیت بازار را رصد نموده و برای مقابله با بحران‌های احتمالی، راهبرد تعریف نماید. بنابراین استفاده از سیستم کنترلی و نظارتی در بازار امری بسیار لازم و معمول و وضع قوانین و مقررات برای پویایی بیشتر بازار و همچنین مقابله با بحرانهای احتمالی و تعیین حد و مرز دخالت دولت‌ها بسیار ضروری است. دولت باید جایگاه و نقش خود را برای فعالان بازار سرمایه مشخص و شفاف اعلام نماید و همچنین

شیوه‌های نظارتی خود را به‌طور کامل معرفی نماید. دخالت مطلق و یا عدم دخالت و بی تفاوتی نسبت به آنچه که در بازارها می‌گذرد، نتیجه ای جز نارضایتی عمومی و توقف سرمایه‌گذاری ندارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اکثریت کشورها نظام نظارتی بر بورس وجود دارد و تا زمانی که جرمی اتفاق نیفتد و یا جرم محرز نشود، هیچ کاری انجام نمی‌شود. هرچند عده‌ای از کارشناسان بر این باورند که باید قبل از وقوع جرم، از طریق تدوین مقررات مورد نیاز و ارائه آموزش‌های لازم، پیشگیری نمود. در کشور ما بیشتر روش و نگاه اول حاکم بر بازار سرمایه حاکم است. به‌نظر می‌رسد باید روش متعادل‌تری (ترکیبی از دو دیدگاه مورد اشاره) به کار گرفته شود. در بازار سرمایه، تغییرات خیلی سریع در حال وقوع است و عقب افتادن نهاد ناظر از تنظیم و نظارت به روشنی مشهود است. امروزه در بازار سرمایه دیگر شاهد شرکت‌های کوچک و کم‌اهمیت و با سرمایه پایین نیستیم؛ بلکه شاهد شرکت‌ها و هلدینگ‌های خیلی بزرگی که با سیستم قدیمی نمی‌توانیم جوابگوی نظارت بر دستورالعمل‌های این شرکت‌ها (که دائماً در حال نوآوری بودند) باشیم؛ بنابراین ضرورت وجود نظام‌های



نظارتی بسیار وسیع، دقیق و قدرتمند که همپای تغییرات باشند احساس می‌شود؛ ضمن اینکه نظام‌های نظارتی ایجاد شده نیز، در برابر این نوآوری‌های شرکت‌های بزرگ باید مرتباً به روز شوند.

برای نظارت بر بازارها به روز بودن سیستم‌ها و ابزارها و اطلاعات به روز، لازم و ضروری است. زیرا نظام‌های نظارتی شریان‌های حیاتی بازارها را در اختیار دارند. امروزه نگاه جدیدی به اهداف نظارت در بازارها حاکم شده است. قاعدتاً چه باید کرد که مشکلات گذشته در بازارها مرتفع شود. طبق قانون اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۴، سازمان بورس و اوراق بهادار با دو هدف ایجاد گردیده است:

۱- حمایت از مشتریان و سرمایه‌گذاران

۲- حفظ عملکرد متصفانه در بازارها و همچنین حسن اجرای قانون

به‌نظر می‌رسد برای نظارت بر بازارها باید علاوه بر دو هدف فوق به این دو هدف دیگر نیز، توجه ویژه داشته باشیم.

الف - ایمنی و صحت کارکرد مؤسسات مالی

ب - کاهش ریسک بازار.

خط و نشان رئیس جمهور به بانک‌ها

وی با تأکید بر اینکه دریافت سود مشارکت از تسهیلات بانکی دقیقاً براساس مقررات مصوب و ابلاغی بانک مرکزی انجام شود، گفت: اخذ هرگونه وجه دیگری تحت هر عنوان از تسهیلات گیرنده مجاز نیست و باعث ایجاد نگاه منفی در مردم نسبت به نظام بانکی خواهد شد. چنانچه بانکی مبالغی غیر از نرخ سود مشارکت مصوب از افراد اخذ کرده این مبلغ را به آنها بازگرداند

بانک‌ها از تملیک واحدهای تولیدی دست‌نکشند

رئیس جمهور در بخش دیگری از سخنانش، خاطر نشان کرد: بانک‌ها تا آنجا که ممکن است از تملیک واحدهای تولیدی خودداری کنند، اما چنانچه ناچار به این کار شدند، در کوتاه‌ترین زمان ممکن یا آن واحد تولیدی را مجدداً رانندازی و یا واگذار کنند تا تولید دچار وقفه نشود و کارگران بیکار نشوند.

نیازم هدايت نقدینگی به تولید

رئیس‌ی بر ضرورت هدایت نقدینگی به سوی نظام تولید تأکید کرد و اظهار داشت: اگر نقدینگی به سمت تولید هدایت شود، مشکلی ایجاد نخواهد کرد، اما اگر نقدینگی به سوی تولید نرود، مانند سیل در جامعه به راه افتاده و به هر جا برسد، خرابی به بار می‌آورد. وی سرمایه‌گذاری و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی از سوی بانک‌ها را امری مفید، اما نگاهداری را مضر عنوان کرد و گفت: ایجاد بنگاه آری اما نگاهداری هرگز؛ این باید اساس کار بانک‌ها باشد.

در این جلسه که بیش از ۲ ساعت به طول انجامید، علاوه بر مدیر عاملان بانک‌های کشور، معاون اول رئیس جمهور، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، معاون اقتصادی رئیس جمهور و رئیس کل بانک مرکزی نیز در سخنانی به تشریح برنامه دولت برای ایجاد تحول در نظام بانکی کشور پرداختند.

هدف تحول در نظام بانکی تطبیق کامل مزاولات بانکی با احکام اسلامی است

رئیس‌ی در بخش دیگری از سخنان خود، هدف تحول و بازنگری در نظام بانکی تطبیق کامل مزاولات بانکی در کشور با احکام اسلامی اعلام کرد و گفت: در عین حال مدیران بانک‌ها بدانند که شرط موفقیت در ایجاد تحول در نظام بانکی آن است که همه اجزا و کارکنان نظام بانکی به تحول مورد نظر مقید و متعهد باشند.

رئیس‌ی از مدیران بانکی خواست که با حساسیت و دقت و در عین حال شجاعت در چارچوب مقررات الزام‌آور، برای ایجاد تحول در نظام بانکی تلاش کنند و افزود: مدیران بانکی همچنین باید ریسک‌پذیر و مسئولیت‌پذیر باشند و مدیری که شجاعت نداشته باشد، نمی‌تواند مجری خوبی برای سیاست‌های تحولی باشد.

اعتبارسنجی جایگزین اخذ وثیقه‌شود

وی همچنین توسعه زیرساخت‌ها و خدمات الکترونیک در بانک‌ها را باعث ارتقای شفافیت و تسهیل نظارت بر عملکرد بانک‌ها دانست و ابراز داشت: بانک‌ها تلاش کنند کارمزد و سود تسهیلات اعطایی را تا حد ممکن کاهش دهند. همچنین در پرداخت تسهیلات خرد به مردم اعتبارسنجی جایگزین اخذ وثیقه شود؛ بانک‌ها به مردم تسهیلات بدهند نه تضییقات. رئیس‌ی اظهار داشت: مقررات بانک‌ها در اعطای تسهیلات به مردم باید سهل و آسان و در اعطای تسهیلات به افراد بدحساب سختگیرانه باشد. بدحکاران بدحساب بانکی شناسایی، دسترسی آنها به اعتبارات بانکی قطع و در صورت لزوم معرفی شوند. بعضی بدحساب‌ها با بانک‌های متعدد در ارتباط هستند، لذا این هماهنگی بین بانک‌ها وجود داشته باشد که از ارتباط چنین افرادی با بانک‌های مختلف و متعدد جلوگیری شود.

اخذ هر گونه وجهی بابت تسهیلات غیر از سود مصوب بانک مرکزی غیر مجاز است

اواخر دی ماه بود که رئیس جمهوری در نشستی که با مدیران عامل بانک‌ها، پنج فرمان به نظام بانکی با هدف حذف تا کارآمدی و تحول نظام بانکی به نفع مردم صادر شده است.

سخت‌گیری بر بدحساب‌ها، تسهیل پرداخت وام به مردم، واگذاری بنگاه‌های تولیدی تملک شده بانک‌ها، استرداد سود مازاد دریافتی از مردم و تولیدکنندگان و بازنگری در نظامات و مقررات بانکی به نفع مردم از مواردی است که رئیس جمهور بر اجرای آنها تأکید کرده است. که در ادامه به تشریح آن از زبان رئیس جمهوری خواهیم پرداخت. سید ابراهیم رئیسی در این نشست با بیان اینکه دولت سیزدهم اصلی‌ترین وظیفه خود را ایجاد تحول در عرصه‌های مختلف و بویژه تحول در وضع موجود نظام بانکی به سطح مطلوب می‌داند، عنوان کرد که عدالت به عنوان مسیر و مقصد حرکت، مبنای عمل دولت در ایجاد تحول در نظام بانکی است.

تشکیل کارگروهی برای شناسایی مشکلات درونی نظام بانکی

وی تأکید کرد: با همکاری بانک مرکزی، تا پیش از پایان سال کارگروهی برای شناسایی و رفع مشکلات درونی نظام بانکی تشکیل دهند تا با بازنگری مقررات بانکی به رفع تعارض‌ها، ایجاد شفافیت و تسهیل مسیر فعالیت‌های بانکی در زمینه ارتباط مردم و تولیدکنندگان با بانک‌ها اقدام کنند. رئیس جمهور در صحبت‌هایی که داشت اعلام کرد که نظام بانکی با دو دسته مشکلات درونی و بیرونی مواجه است.

رئیس‌ی تأکید کرد که بانک‌ها در صورت عدم رفع این نواقص، قطعاً عدالت را نقض خواهند کرد.

وی بزرگ‌ترین سرمایه بانک‌ها را آبرو و اعتبار نظام بانکداری کشور نزد مردم دانست و تأکید کرد: این سرمایه با امانتداری صحیح بانک‌ها از پول مردم به دست آمده و حفظ خواهد شد؛ آفت این اعتبار فساد در عملکرد نظام بانکی است و لذا نظام بانکی با «خودمراقبتی» پیش و بیش از هر کس مانع از مخدوش شدن حیثیت و اعتبارش شود.

پرداخت وام و تسهیلات از طریق نمره

اعتباری افراد صورت می‌پذیرد و به بانک این اجازه داده می‌شود که در صورت عدم پرداخت به موقع اقساط، بدحسابی اشخاص به سامانه اعتبارسنجی از سوی بانک اعلام شود. با این اقدام بانک نمره اعتباری شخص کاهش می‌یابد. لذا تلاش ناشی از نگرانی کاهش نمره اعتباری افراد منجر به شکل‌گیری روش وثیقه‌گذاری نوین شده است.

چگونگی سنجش نقطه شروع کسب نمره اعتباری افراد

نقطه شروع کسب نمره اعتباری افراد در دنیا به دو نحو است. نوع اول داده‌های جایگزین و با تمسک از اطلاعات دیگر است. اما برای افرادی که برای نخستین بار مبادرت به اخذ وام می‌نمایند از قبوض آب و برق در قالب پرداخت به موقع هزینه‌های انرژی بهره‌برده می‌شود. همچنین برای افرادی که برای نخستین بار تمایل به دریافت کارت اعتباری دارند، یک کارت اعتباری با اعتبار کم صادر می‌شود و بر اساس سوابق پرداخت این وام‌ها برای آنها نمره اعتباری در نظر گرفته می‌شود.

بستری که فراهم است

در حال حاضر هر ایرانی دارای اطلاعات است. در گذشته ابزار این کار را در کشور وجود داشت اما نبود سیاست گذاری مشخص در این خصوص سبب شده بود تا این اقدام انجام نشود. اما اکنون با فراهم بودن ابزار و زیرساخت‌های مورد نیاز، شاهد تحقق این امر خواهیم بود. در اجرای گام به گام این امر و در مرحله اول، این تسهیلات را می‌توان برای قشر خاصی از افراد جامعه در نظر گرفت. با توجه به انجام محدود این اقدام در کشور توسط بانک ملت (سامانه فرابانک ملت)، در حال حاضر به افراد برخوردار از نمره اعتباری A وام بدون ضامن پرداخت می‌شود.

محمد جلیلی - مدیرعامل سابق شرکت رتبه‌بندی ایران

در پنج فرمان رییس دولت سیزدهم و اظهارات رئیس کل بانک مرکزی بر تسهیل ارائه تسهیلات خرد تأکید شده است. تأکید بر تسهیل روندی است که تلاش دارد تا به واسطه آن با جایگزینی خدمات نوین با خدمات سنتی با تمسک از اعتبارسنجی افراد، مشکلات ناشی از ضامن، وثیقه و ... رفع شود. اگرچه در این روش وثیقه حذف نخواهد شد، اما شکل آن تغییر می‌یابد. در روش سنتی وثایق به صورت رهن در بانک قرار می‌گیرد تا به اتکالی آن وام پرداخت شود. همچنین معرفی دو ضامن برای اخذ وام نیز از ضروریات روش سنتی است که تا در صورت عدم پرداخت اقساط، ضامن اقساط را پرداخت کند. این درحالیست که در روش اعتبارسنجی، در دنیا از وثایق نوینی بهره‌برده می‌شود که به آن «وثایق شهری» گفته می‌شود. یعنی به جای در رهن بانک قرار گرفتن دارایی اشخاص، شهرت آنها در رهن بانک قرار می‌گیرد؛ مصادق این موضوع در گذشته بین ایرانی‌ها در قالب گرو گذاشتن «تار مو و یا سیبیل» نمود می‌یافت. ارزش مادی این تار مو و یا سیبیل همان شهرت و اعتبار بود که مردم با گرو قرار دادن آن، به تعهد و قبول خود عمل می‌کردند. اما این مفهوم امروزه در دنیا تغییر یافته است و تحت عنوان نمره اعتباری از آن یاد می‌شود. یعنی نمره اعتباری اشخاص از طریق اعتبارسنجی حاصل و در گرو بانک قرار داده می‌شود.

مزایای وثیقه گذاری نوین نسبت به روش‌های سنتی

یکی از دلایل استفاده از روش نوین این خدمات بانکی، عدم برخورداری همه افراد از دارایی و ملک است، این در حالی است که همه افراد آبرو دارند. افراد می‌توانند با اطلاعات گذشته، آبرو خود را به نمایش گذارند که از طریق سیستم‌های اطلاعاتی حاصل می‌شود.

سازمان بورس منهای دولت

بیشتر فعالین بازار شده و از طرفی فشار روانی حاصل از تصمیم گیری را از روی شانه های ناظرین برداشته تا با فراغ بال بیشتری اقدام به رصد بازار و بررسی اجرای دقیق قوانین و مقررات نمایند. از دیگر مواردی که نیاز به بررسی بیشتر دارد می توان به بحث شبکه های اجتماعی و سایت های تحلیلی اشاره داشت.

برخی از این کانال ها و سایت ها بدون داشتن مجوز و افراد متخصص اقدام به سیگنال دهی در بازار سرمایه می کنند که همین موضوع باعث ضرر و زیان سهامداران خرد خواهد شد. با توجه به تاثیر و رشد دنیایی مجازی، به نظر با ایجاد قوانین و مقررات فراخور شرایط فعلی می توان از این ابزار در راستای بهبود شرایط بازار سرمایه استفاده کرد و با فرهنگ سازی مناسب امکان سرمایه گذاری اصولی را به عموم مردم آموزش داد.

در نهایت می توان اینطور در نظر گرفت که بحث اصلاح نظارت نیاز به اصلاح قوانین و مقررات داشته که این اصلاحات نیازمند اصلاح ساختار در سازمان بورس و مالکیت آن است؛ و تا زمانی که این موارد در کنار هم در راستای اعتماد سازی بیشتر فعالین بازار سرمایه صورت نپذیرد، امکان بررسی هر کدام از آنها به تنهایی کاری بی نتیجه و غیراصولی بوده که در نهایت منجر به صدمات بیشتر به بازار سرمایه خواهد شد.



ناظرین به طور دقیق فراهم نبوده و اعمال سلیقه ایشان امری اجتنابناپذیر است.

مواردی از قبیل نظارت بر عملکرد معاملات صندوق های سرمایه گذاری، نحوه توقف و بازگشایی نمادهای معاملاتی، تقویت صندوق های بازارگردانی و... می تواند در قوانین و مقررات آتی به گونه ای طراحی شود تا عموم فعالین بازار بدون ایجاد شک در خصوص تصمیم ناظرین به قضاوت تصمیمات گرفته شده بپردازند، این اصلاحات علاوه بر اینکه اعمال سلیقه بر نظرات را کاملاً محدود می نماید، موجب ایجاد اعتماد و اطمینان

بررسی دقیق عملکرد سازمان بورس و همچنین حضور رئیس این سازمان در تصمیم گیری های مهم اقتصادی از جمله بحث بودجه سالانه کشور، نرخ گذاری محصولات و مواردی از این قبیل، امکان دیده شدن نظرات فعالین بازار سرمایه را در تصمیمات مهم اقتصادی فراهم آورد. موضوع قابل بحث بعدی اصلاح قوانین و مقررات و دستورالعمل ها در راستای شفافیت بیشتر و امکان بررسی دقیق تر تصمیمات ناظرین است.

تا زمانی که برخی از موارد با سکوت در دستورالعمل ها و قوانین و مقررات مواجه باشد امکان نظارت بر تصمیمات

افشین بیرامی
معاون عملیات کارگزاری امین آوید

بحث نظارت بر بازار سرمایه همواره به عنوان یکی از مباحث اصلی فعالین بازار سرمایه بوده است. همچنین قوانین و مقررات حاکم بر بازار به عنوان مرجع اصلی تصمیم گیری ناظرین بازار، در معرض نقد اکثریت فعالین و متخصصین بازار سرمایه بوده است. بنابراین نظارت و خلاءهای قانونی دو امر به هم وابسته هستند که نمی توان به تنهایی درخصوص هر کدام از این موارد اظهار نظر کرد. وجود این نقایص در قانون و یا سکوت دستورالعمل ها در برخی موارد منجر به اعمال سلیقه از جانب ناظرین شده که همین امر باعث ایجاد نقدهای فراوانی بر عملکرد ایشان شده است.

با توجه به این موارد در خصوص اصلاح بحث نظارت، ابتدا باید به اصلاح قوانین و مقررات و دستورالعمل ها پرداخت که همین موضوع هم نیاز به اصلاح ساختار در بازار سرمایه دارد. تا زمانی که سازمان بورس و اوراق بهادار از زیر سایه دولت خارج نشود اصلاحات مدنظر به سختی صورت می پذیرد، دولت فعلی تا به اینجای کار نشان داده که به دنبال اصلاح امور و بهبود فرآیندها است.

پس چه بهتر که در خصوص بازار سرمایه، ابتدا کار را از جداسازی سازمان بورس از دولت شروع نموده و سپس با

ناکارآمدی کلیت فرایندهای بازار؛ انباشت محدودیت ها و تعدد قید و بندها

محسن زارعیان
مدیر پورتفو سرمایه گذاری ایستاتیس پویا (ویسا)

با توجه به گستردگی و فراگیر شدن بازارهای مالی و درگیر شدن اکثریت افراد جامعه در آن، قطعاً حساسیت نظارت بر بازارهای مالی بیش از گذشته است. طبق قانون اصل بر برانست است، مگر وقوع جرمی محرز و ثابت گردد. همچنین سنگ بنای بازارهای مالی شفافیت است و قی نفسه بازارهای مالی بر پایه تجارت آزاد و عدم محدودیت معاملات تجاری بنا شده است. لذا نظارت هایی که بر بازارهای مالی دنیا صورت می گیرد، صرفاً به جلوگیری از اغوا و فریب در بازار و معاملات می پردازد و این کار هم به صورت پویا بوده و مدام در حال بازخوردگیری و اصلاح است. در کشور ما هم سعی شده سازوکار نظارت طی سالیان تکامل یابد. ولی برخی از تصمیمات و محدودیت ها و روش ها که برای مقاطع خاصی از بازار تدوین و اجرا شده، شاید کارایی لازم را نداشته و یا در همان مقطع زمانی کارا بوده است. در نتیجه به نظر اکثر کارشناسان انباشت محدودیت ها و تعدد قید و بندها، شاید باعث ناکارآمدی کلیت فرایندهای بازار گردد و تسهیل و کاهش برخی محدودیت هایی که در شرایط فعلی، باعث تحقق هدف مدنظر در زمان ابلاغ را ندارد، مورد نیاز است.



آینده نگری در منابع راهبردی از نگاه:

مهندس علیرضا چایچی یزدی مدیر عامل شرکت فولاد آلیاژی ایران

مدیر برجسته صنعت فولاد کشور
در سمپوزیوم بین المللی فولاد ۱۴۰۰

- به کارگیری ابزارهای نوین بازاریابی
- ایجاد شرایط برخورداری از توسعه های متوازن
- تأمین پایدار منابع اولیه
- بهینه سازی هزینه های تولید
- بومی سازی
- پویایی مداوم تحقیق و توسعه در بنگاه های تولید فولاد
- نگاه هم سو به تکنولوژی های نوین در کل زنجیره منابع
- آموزش معوری و تخصص
- در کنار اهمیت برخورداری از تجهیزات روز
- توسعه ارتباط بین صنعت و دانشگاه



انتخاب سبد پورتفو با شما اعتبار، تخفیف و برگشت کارمزد با ما



شرکت کارگزاری خبرگان سام

برآیند تصمیمات دولت جدید و بودجه سال ۱۴۰۱ بر سودآوری بنگاه‌ها

در سال ۱۳۹۶، به رغم افزایش تدریجی ریسک‌های سیاسی، در نتیجه رشد قیمت محصولات کالایی در بازارهای بین‌المللی و افزایش نرخ ارز در ایران، شاهد رشد ۲۵ درصدی بازار سهام بودیم. در سال ۹۷ با رشد چشمگیر قیمت ارز و تورم بازدهی بازار سهام به ۸۶ درصد رسید. در پایان سال ۱۳۹۷ بازار ارز از تراکم افتاد اما بازار سهام نتوانسته بود این تغییرات ایجاد شده را در قیمت‌ها منعکس کند که این موضوع سبب شد بازار در سال ۱۳۹۸ با رشد ۱۸۷ درصدی به روند صعودی خود ادامه دهد. در سال ۱۳۹۹ نیز به دلیل کمبود ارز کشور به کسری بودجه که بحران کرونا به آن دامن زد، قیمت ارز به بالای ۳۰ هزار تومان رسید و تورم بخش‌های عمده‌ای از اقتصاد را فرا گرفت.

عموم مردم به دلیل حفظ سرمایه‌های خود از کاهش ارزش، اقدام به سرمایه‌گذاری در بورس کردند و دعوت دولت نیز حضور را گسترده‌تر کرد. جریان ورود نقدینگی به بورس هر روز اعداد جدید را به خود می‌دید. در نهایت شاخص کل بورس از ۵۱۲۹۰۰ واحد در ابتدای سال به ۲۰۷۸۵۴۶ واحد در اواخر مرداد ماه رسید. اما پس از مرداد ۱۳۹۹ به سطوح پایین‌تر سقوط کرد. با این حال بورس در سال ۱۳۹۹، ۱۵۵ درصد بازدهی داشته است.

سال ۱۴۰۰ در حالی آغاز شد که در اواخر سال ۱۳۹۹ سازمان بورس اوراق بهادار به دلیل جلوگیری از ریزش بیش از پیش بازار سهام دامنه نوسان را محدود کرد. این اتفاق نه تنها مانع از ریزش بازار نشد بلکه نقدشوندگی بازار را به شدت کاهش داد. تا اینکه در اردیبهشت ماه این محدودیت برداشته شد. با رفع این محدودیت معاملات به طور محسوسی افزایش یافت؛ به طوری که میانگین روزانه ارزش معاملات بیش از ۵۱ درصد نسبت به ۲ ماه اول سال افزایش یافت. با این همه، بازار سهام از ابتدای سال تا پایان دیماه ۴ درصد بازدهی منفی داشته است.



دغدغه‌های سرمایه‌گذاران

می‌بایستی منتظر شرایط نه چندان مطلوبی بود.

مقایسه بازار سرمایه با دیگر بازارهای مالی

در افق ۱۰ ساله، بازار سهام ایران کماکان بالاترین بازدهی را در مقایسه با دیگر فرصت‌های متداول

سه موضوع مهم و اثرگذار بر بازار سرمایه در حال جریان است که میزان اثرگذاری برخی از آنان درهاله‌ای از ابهام است. این سه موضوع لایحه بودجه سال ۱۴۰۱، برجام و بازارهای جهانی هستند.

یکی از دغدغه‌هایی که سرمایه‌گذاران در مورد آن نگران هستند میزان انتشار اوراق دولتی است. میزان انتشار اوراق دولتی در لایحه بودجه در مقایسه با سال‌های گذشته کاهش یافته است، به رغم اینکه بازار بدهی برای بازار سهام تداخلی ایجاد نخواهد کرد، اما به لحاظ روانی برای سرمایه‌گذاران قابل اهمیت است. موضوع دوم خوراک و هزینه‌های انرژی لحاظ شده در بودجه برای صنایع بوده که در مقایسه با سال گذشته رشد چشمگیری داشته و نگرانی‌های بسیاری از این بابت به وجود آمده و وزارت اقتصاد ارقامی به غیر از بودجه را عنوان می‌کند، لذا تا نپایایی شدن بودجه می‌بایستی صبر کرد.

به رغم انجام دور هشتم مذاکرات برجامی در دولت جدید، چندین مسئله حل نشده از قبل وجود داشته که می‌بایستی حل شود. هنوز با صرف وقت بسیار ظاهراً هیچ یک از این مسائل حل نشده است و مذاکرات به کندی پیش می‌رود. لذا در این خصوص فضای غبارآلود حاکم بوده که پیش‌بینی را با مشکل مواجه کرده است.

با شروع کرونا اقتصادهای بزرگ اقدام به تزریق نقدینگی به اقتصاد خود کردند تا بتوانند از کاهش بیش از اندازه تقاضا بکاهند و اقتصاد خود را از بحران نجات دهند. این سیاست سبب شد قیمت‌های جهانی، نفت و فلزات اساسی، محصولات پتروشیمی و غیره ... رشد قابل ملاحظه داشته باشند. با بهبود وضعیت سلامت جهانی، یقیناً اقتصادها اقدام به افزایش نرخ بهره و جذب نقدینگی خواهند کرد که موجب کاهش قیمت‌ها در بازارهای جهانی خواهد شد.

هر کدام از این مسائل تأثیرات مثبت و منفی بر روی بازار خواهند داشت. با وقوع مثبت و بهبود قیمت‌ها سرمایه‌گذاران ترغیب به ورود به بازار شده و ارزش معاملات افزایش خواهد یافت، در غیر این صورت

سرمایه‌گذاری (ارز، سکه، املاک) داشته است. در این مدت، صرفه ریسک سرمایه‌گذاری در سهام (اختلاف بازدهی بازار با بازدهی بدون ریسک) به طور میانگین سالانه بیش از ۱۰ درصد بوده است.

انتظارات نسبت به متغیرهای کلان

۱- عدم انعکاس پیشرفت مذاکرات وین در متغیرهای کلان اقتصاد ایران: به رغم تقویت امیدواری‌ها به حصول توافق بر سر مناقشات هسته‌ای در دولت جدید به نظر می‌رسد، تحلیلگران راه اصلاحات اقتصادی را از نتیجه سناریویی و سناریوهای برجانی جدا دیده‌اند. انتظار نرخ تورم ۳۲ درصدی و پافشاری بر نرخ ارز ۳۲ هزار تومانی برای سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که تحلیل‌گران ممکن است به توافق هسته‌ای خوش‌بین باشند اما دلار ارزان و تورم پایین، هنوز در مدل‌های مالی مدیران دارایی جایی ندارند.

۲- قیمت‌های جهانی کالاهای پایه، حداقل امسال و سال بعد بالا می‌مانند: تحلیلگران حرفه‌ای بازار سرمایه ایران با نگاه به تحولات ساختاری پساکرونا و تغییرات اساسی در زنجیره تامین جهانی، برای اکثریت کالاهای پایه میانگین نرخ‌های سال ۱۴۰۱ را در محدوده میانگین سال جاری لحاظ کرده‌اند. به بیان دیگر، ردپای ترس از ریزش نرخ‌های جهانی در نظرات آنها دیده نمی‌شود. ۳- در آرامش حاکم بر بازارهای دارایی در سال آینده، بازار سرمایه بهترین بازدهی را خواهد داشت: به رغم انتظار و ثبات نرخ دلار و کاهش ۵ درصدی بازدهی بازار مسکن، مشارکت‌کنندگان در این دوره از اجماع تحلیلگران انتظار دارند تا بازار سهام تا سال آینده ۳۲ درصد بازدهی به همراه داشته باشد. پیش‌بینی رشد ۱۹ درصدی سودآوری شرکت‌ها در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰، همچنین، ارزش‌گذاری نرمال بازار (نسبت قیمت به درآمد بازار بعد از ۲ سال به اعداد کمتر از ۶ رسیده است)، با انتظار رشد ۳۲ درصدی بازار در سال آینده، سازگاری کامل نشان می‌دهد.

انتظارات در سطح صنایع

درسطح صنایع، به نظر می‌رسد تحلیلگران برابند تأثیرات برنامه بودجه سال ۱۴۰۱ و تصمیمات دولت جدید را برای سودآوری بنگاه‌ها نسبتاً خنثی ارزیابی کرده‌اند. به چند مورد از انتظارات تحلیل‌گران در سطح بنگاه‌ها و صنایع در ادامه اشاره می‌شود:

۱- تحلیلگران، اهمیت زیادی برای رشد هزینه‌های انرژی در صنعت فولاد در سال آینده قائل نشده‌اند: رشد سودآوری صنایع فولادی با لحاظ پیش‌بینی افزایش ۱۵ درصدی نرخ نیما

و پیش‌بینی کاهش ۶ درصدی نرخ بلیت جهانی، برای سال آینده ۹ درصد بوده است. این ارقام، نشان می‌دهد تحلیلگران در مجموع، حاشیه سود شرکت‌های فولادی را در یکسال آینده کاهش نمی‌بینند. یا به عبارت دیگر، از نظر تحلیلگران، ساختار هزینه‌ها در صنعت فولاد به خصوص هزینه‌های انرژی، تغییر محسوسی نسبت امسال نخواهد داشت.

۲- رشد سودآوری ۲۰ درصدی در شرکت‌های پتروشیمی، پالایشگاهی و هلدینگ‌های وابسته: تحلیلگران با اتکا به انتظار رشد ۱۵ درصدی در دلار نیما افزایش نسبی قیمت جهانی حامل‌های انرژی و محصولات پتروشیمی، رشد سودآوری صنایع مذکور طی یک سال آینده را در محدوده ۲۰ درصد برآورد کرده‌اند.

۳- کاهش سود مورد انتظار سال ۱۴۰۰ در صنایع داخلی- غیردلاری- نسبت به دوره گذشته: تحلیلگران، نسبت آخرین دوره اجماع، سود امسال شرکت‌ها را با کاهش ۳ درصدی پیش‌بینی کرده‌اند. در صنایع دلاری به‌خصوص در صنایع متانول، سنگ آهن و روی، انتظارات نسبت به مهر ماه سال جاری تعدیل شده‌اند و پیش‌بینی سود سال ۱۴۰۰ این صنایع نسبت به مهر ماه کاهش یافته است. از سوی دیگر، در صنایع داخلی یا غیر دلاری، سودآوری صنایع تیرسازی، حمل و نقل، غذایی، شوینده، لوازم خانگی، شیشه و محصولات شیمیایی (با فروش داخلی) برای سال ۱۴۰۰ را در محدوده ۱۲ تا ۳۰ درصد پایین‌تر از دوره گذشته تخمین زده‌اند. نرخ تورم بالا و جریان عقب‌ماندگی ارزی در بهای تمام شده بنگاه‌ها (از جمله سربار و دستمزد) و ضعف کشش تقاضا در افزایش نرخ این محصولات و یا تعلل در افزایش نرخ به دلیل فضای دستوری حاکم بر نرخ‌گذاری در سطح صنایع داخلی، تأثیر منفی محسوسی را در کاهش سودآوری این بخش داشته است.

۴- بازگشت به ارزش‌گذاری نرمال بعد از گذشت دو سال: پس از افت نزدیک به ۱۰ درصدی بازار در فصل پاییز، نسبت قیمت به درآمد پیش روی بازار به محدوده ۵٫۷ رسیده است؛ کمترین مقدار از شروع رشد شدید بازار در آذر ۱۳۹۸ و معادل سطوح متوسط ۱۰ ساله در حال حاضر، بیش از ۱۵ نماد بزرگ بازار، P/E بین ۴ الی ۵ دارند و بعد از مدت‌ها، فولاد مبارکه اصفهان، P/E کمتر از چهار گرفته است. اگر بدبین باشیم می‌توانیم با یادآوری ماه‌های انتهایی سال ۱۳۹۶ و نیم‌فصل اول سال ۱۳۹۷ انتظار P/E کمتر از ۴ را برای کل بازار داشته باشیم. اگر خوش‌بین باشیم می‌توانیم این ارزش‌گذاری را که ۷۵ درصد از اوج آن در مرداد ۱۳۹۹ (P/E=22) کمتر است، فرصتی برای سرمایه‌گذاری بدانیم. هرچه باشد به نظر می‌رسد ریسک ارزش‌گذاری دیگر ریسک جدیدی در بازار سرمایه محسوب نمی‌شود.

مقایسه بازدهی بازارهای مختلف در ایران، تا هفته سوم دی ماه ۱۴۰۰

شرح	آخرین قیمت (درصد)	بازده هفتگی (درصد)	بازده ماهانه (درصد)	بازده از ابتدای سال (درصد)	بازده سالانه
دلار نیما	۲۴۴,۹۳۲	-۱	۲	۴	-۲۰
دلار آزاد	۲۸۱,۵۰۰	-۲	-۷	۱۷	۱۳
سکه امامی	۱۲۴,۰۳۰,۰۰۰	-۴	-۶	۱۰	۱۷
طلای آب شده	۵۳,۰۲۰,۰۰۰	-۳	-۶	۱۳	۱۸
شاخص کل	۱,۳۲۴,۲۶۵	-۲,۱۰	۳,۳۰	۲	۳
شاخص هم وزن	۳۵۳,۷۶۸	-۱,۶۰	۲,۴۰	-۲۰	-۲۴
شاخص کل فرابورس	۱۸,۱۰۰	-۱,۶۰	-۲,۶۰	۱	-۳
نفت برنت	۸۴	۳	۱۳	۳۱	۵۰
مس LME	۹,۹۵۸	۴	۵	۱۰	۲۴
روی LME	۳,۵۶۳	۰	۴	۲۸	۳۱
فولاد CIS	۶۱۵	۳	۲	۸	۱
سنگ آهن چین ۶۲ درصد	۱۲۸	۶	۸	-۲۳	-۲۵
گاز طبیعی هنری هاب	۴,۲۷	۱۲	۱۴	۶۸	۵۶
زغال سنگ حرارتی	۲۱۰	۹	۲۸	۱۳۰	۱۴۰
بیت کوین	۴۲,۵۵۴	-۴	-۱۰	-۲۷	۲۰
ورق گرم مبارکه	۲۰۴,۰۶۸	۰	۲	۲۰	۱۵
شمش بوم خوزستان	۱۲۷,۵۲۶	۰	۲	۲۰	۱۵
مس صنایع ملی	۲,۳۲۴,۷۵۸	-۲	۳	۱۱	۱۳
شمش روی کالسیمین	۸۸۸,۷۸۱	۷	۱۷	۴۵	۵۹

تامین آهن اسفنجی، چالش اصلی صنعت فولاد در سال آینده

سارا فرهمندی - کارشناس بازار سرمایه



طورمستقیم صادر کنند.

از همین‌رو، می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی اصرار به عرضه محصولات در بورس کالا برای ایجاد شفافیت بوده که با رانندازی سامانه جامع تجارت این امر میسر می‌گردد و نیازی به عرضه همه محصولات در بورس کالا نیست. در این میان آهن اسفنجی در صنعت فولاد به عنوان جایگزینی برای ضایعات در کوره‌های القایی و قوس الکتریکی استفاده می‌شود. در طول سالها کمبود ضایعات ذوب گرانقیمت، آهن اسفنجی را به ماده اولیه قابل توجهی برای تولید فولاد با کیفیت بالا تبدیل کرده است. سال آینده چالش اصلی صنعت فولاد علاوه بر قطعی برق، تامین آهن اسفنجی در مقاطعی از سال خواهد بود. قیمت حال حاضر آهن اسفنجی در بورس کالا بیش از قیمت واقعی است. از طرفی به دلیل عدم افزایش ظرفیت در استخراج سنگ آهن، کمبود آن باعث افزایش رقابت خرید و نهایتاً افزایش غیرمنطقی قیمت این محصول خواهد شد. اگر بخش اعظم آهن اسفنجی در بورس کالا عرضه شود، شرکتها

می‌توانند آهن اسفنجی را از بورس کالا خریداری کنند. با این حرکت، مشکل شرکت‌های تولیدی کمتر خواهد شد. زیرا با افزایش عرضه در بورس کالا قطعاً قیمت‌ها کاهش یافته و به تعادل می‌رسد. ضمن آنکه تولیدکنندگان می‌توانند به راحتی کالا را تهیه کنند. قیمت‌گذاری محصولات فلزی در تمام کشورها متأثر از قیمت‌های جهانی است و این امری مرسوم و پذیرفته شده است. عرضه و تقاضای جهانی، موجودی‌های انبار و قیمت انرژی از مهم‌ترین عوامل موثر بر قیمت فلزات هستند. نوسانات قیمت در بازارهای جهانی تأثیر بسیاری بر صنعت و بازارهای بین‌المللی دیگر خواهد داشت.

بنابراین قیمت‌های جهانی از مهم‌ترین عوامل برای پیش‌بینی قیمت آهن است. افزایش یا کاهش قیمت جهانی فلزات اساسی مستقیماً آثار مثبت یا منفی بر عملکرد شرکت‌های فعال در صنعت فلزات و صنایع مرتبط با آن خواهد داشت. تعیین قیمت فولاد در کشور اگرچه تابعی از قیمت‌گذاری کشورهای CIS بوده اما چون تولیدکنندگان فولاد

قیمت واقعی فولاد متأثر از چند مولفه قیمت‌های جهانی، تورم، میزان عرضه و تقاضا و بهای تمام شده است که برای کنترل و حفظ فاصله منطقی بین قیمت‌ها در طول زنجیره فولاد، دولت با تعریف فرمول‌هایی به دنبال ایجاد ثبات در بازار بوده است. در واقع علت اصلی چنین واکنشی عدم توسعه متوازن و همچنین شفافیت در معاملات زنجیره بوده است. در حال حاضر به دلیل توسعه نامتقارن قیمت آهن اسفنجی بالاتر از حد متعارف است. همچنین قیمت شمش با سرکوب قیمتی و محدودیت صادرات کنترل شده است. قیمت میلگرد نیز به دلیل ظرفیت مازاد ایجاد شده و عرضه بیش از تقاضا و عدم قابلیت صادرات کمتر از حد منطقی و واقعی است. شایان ذکر است که تمام این کنترل حدودی قیمت‌ها به دلیل رکود حاکم بر بازار و به صورت غیرواقعی و خارج از منطق اقتصادی نرمال زنجیره است.

در این میان با توجه به عرضه فولاد در بورس کالا، در خصوص عرضه محصولات فولادی در این بازار کالایی شیوه‌نامه‌های جدید تنظیم بازار نشان می‌دهد که تقریباً تمام شیوه‌نامه‌های موجود کنار می‌رود و کلیه کالاهای محصولات زنجیره فولاد باید در بورس کالا عرضه شوند و هیچ کالایی خارج از بورس نباید فروخته شود و دولت در قیمت‌گذاری هیچ مداخله‌ای نباید داشته باشد. در الکوی جدید با دسته بندی به محصولات دارای مازاد و کسری، شرایط صادرات برای هر محصول مشخص می‌شود و دیگر نیازی به صدور مجوز و تیک‌های صادراتی نیست و شرکت‌ها می‌توانند محصولاتی که در بورس کالا عرضه کرده‌اند، اما معامله نشده را به

پیش‌بینی کاهش ۳/۴ درصدی سالانه تولید جهانی فولاد



فولاد یکی از کالاهای مهم و تأثیرگذار توسعه صنعتی کشورهاست. این کالا را بعد از نفت و گاز دومین کالای پر حجم تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. اگر میانگین میزان تولید فولاد سالیانه در اقتصاد جهانی در بازه‌های ۱۰ ساله در نظر گرفته شود در تمامی این دوران، تولید فولاد به‌رغم مواجه شدن با نوسانات آن، به‌خصوص در سال‌هایی که بحران مالی جهانی رخ داده است، روندی رو به رشد و اصولی داشته است میزان رشد ۱۰ ساله فولاد در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی از بقیه دهه‌ها بیشتر بوده است و این بار حکایت از آن دارد که در دو دهه اخیر رشد فولاد قابل توجه بوده است.

موازی با پیشرفت اقتصادی در کشورهای مختلف پیشرفت‌های صنعت فولاد و تعداد درخواست‌ها برای استفاده از اینترنت نیز افزایش یافته است. در عین حال بر تولید آن نیز افزوده شده و روز به روز تقاضا برای استفاده از این پتل افزایش می‌یابد. البته این نکته را هم باید یادآور شد که صنعت فولاد اثر مستقیم بر بخش گازهای آلاینده همچون دی‌اکسیدکربن در فضا دارد. البته کشورهای جهان

در تلاشند آلودگی‌های ناشی از صنعت فولاد را کاهش دهند. در واقع جهان به سمت شریاطی حرکت می‌کند که بتواند در کنار صنعتی شدن، محیط زیست را نیز حفظ کند. به وضوح مشخص است که صنعت فولاد در آینده حذف نخواهد شد ولی نقشه برای مهار آلودگی ناشی از آن پیدا خواهند کرد. در خاورمیانه به خصوص (ایران) شیوه قوس الکتریکی غالب بر دیگر روش‌ها است و بدون تردید این روش تا دو دهه دیگر بهترین روش خواهد ماند. با افزایش تولیدات در خاورمیانه و پیش گرفتن روش‌های احیا و نبرد مازاد بر پروژه‌های موجود باعث قطع شدن واردات به این مناطق خواهد شد. تا سال ۲۰۳۰ پیش‌بینی می‌شود که تولیدات فولاد خاورمیانه ۱۲۰ میلیون تونان افزایش داشته باشد که در این افزایش ایران در صدر جدول خواهد بود. اقتصاد جهان در دهه پیش‌رو آهسته‌تر تحول بسیاری است. به جز مسائلی نظیر گرمایش زمین و پانومی‌عبور دو اقتصاد بزرگ آسیایی از ایالات متحده آمریکا در افق سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۸ موضوعی است که درباره اقتصاد و به ویژه بخش فولاد را حائز ویژگی‌های خاصی می‌کند.

عمدتاً شرکت‌های دولتی هستند، تأثیر عوامل داخلی مانند سیاست‌گذاری‌های دولت در این زمینه بیشتر است. انتظار می‌رود با افزایش قیمت‌های جهانی و در پی آن قیمت‌های پایه، قیمت معاملات بورس کالا نیز افزایشی باشد و به نوعی روند نزولی بازار را متوقف کند. اگرچه در بازار فولاد به جای تعیین قیمت مواد اولیه، قیمت محصول میانی تعیین و سپس قیمت سایر محصولات زنجیره آن مشخص می‌شود.

در صنعت فولاد قیمت محصولات پایین‌دستی و بالادستی تابعی از قیمت شمش فولاد خوزستان است. به همین دلایل، عدم توازن در زنجیره تولید فولاد، عموماً موجب قیمت‌گذاری‌های دردسر باز شده است.

در این میان چشم‌انداز آغاز سال ۲۰۲۲ همراه با موج دیگری از کووید-۱۹ که سراسر جهان را فرا گرفته مهم است. ممکن است روند بهبود سوبه اومیکرون، بازار فولاد را کاهش دهد. بسیاری از خریداران نگران سقوط قیمت در ماه‌های آینده هستند و فعالان بازار به طور فزاینده‌ای در خریدهای خود محتاط می‌شوند.

در مورد ارزش معاملات محصولات فولادی در آسیا بدلیل شیوع کووید، کاهش قیمت پیش‌بینی شده است هرچند انتظار می‌رود در فصل بهار قیمت‌ها نسبتاً افزایش داشته باشد.

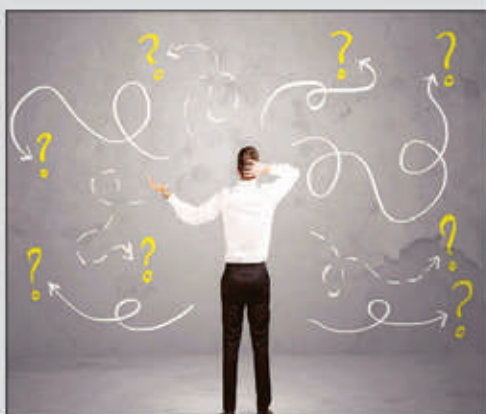
پیش‌بینی می‌شود قیمت‌های محصولات اروپایی در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۲ به سمت بالا حرکت کند، زیرا کارخانه‌ها مشتاق هستند تا هزینه‌های فزاینده خود را در برق و گاز جبران کنند.

انتظار می‌رود ارزش معاملات آمریکای شمالی در ماه‌های آینده به کاهش ادامه دهد و فولاد سازان احتمالاً برای افزایش فروش تخفیف‌هایی ارائه می‌دهند.

برآوردهای اولیه نشان می‌دهند چین تا سال ۲۰۲۵ و هندوستان در فاصله سال‌های ۲۰۲۸ تا ۲۰۳۰ با عبور از اقتصاد آمریکا، به بازیگران شماره یک و دو جهان در حوزه تبدیل می‌شود. این بین، انتشار اخباری در خصوص توسعه همکاری‌های دوجانبه چین و هند ابعاد این ماجرا را پیچیده‌تر کرده است. شباهت پیدا کردن نحوه تنظیم بازار و تغییر تعریف در بخش‌های بسیاری، از جمله قراضه در ماه گذشته از سوی دو کشور موید همین نکته است. مفتوح اقتصاد جهانی در سه ماه اول سال ۲۰۲۱ روند بازیابی را آغاز کرده است و پیش‌بینی می‌شود در سال جاری به‌طور میانگین حدود ۵ درصد رشد را تجربه کند. البته یک مشخصه رشد اقتصادی جهان در انتظار تورمی بودن آن خواهد بود. برآورد می‌شود نرخ رشد اقتصاد ایران سال جاری پس از رشد منفی در سال گذشته در سطح ۲ درصد قرار گیرد. البته این رشد مثبت است یا چیزی بر بازیابی رکورد ساختاری اقتصاد ایران دارد و در بهترین حالت نیز تولید ملی ایران را به سطح ۹۰ درصد از سال ۱۳۹۶ خواهد رساند. با اینکه تولید فولاد روند کاهشی دارد اما مصرف فولاد هر سال رو به افزایش است. با بررسی مقدار مصرف این فلز در چین از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ نشان دهنده افزایش ۸ درصدی آن یعنی واحد ۱۸۰ میلیون تن می‌باشیم.

صاحب‌نظران صنعت فولاد در دنیا افزایش نرخ فولاد را به خاطر این عمل در سال‌های آتی پیش‌بینی می‌کنند. با در پیش گرفتن این استراتژی رشد اقتصادی چین کاهشی نداشته است. زیرا درست است که تولید فولاد را کاهش داده اما به جای آن در عرصه الکترونیک و تولید قطعات و وسایل الکترونیکی روند صعودی اقتصاد خویش را حفظ کرده است. صادرات، کلید طلایی چین برای رسیدن به رتبه اول اقتصادی جهان می‌باشد که به نظر می‌رسد سالانه با ۱۵ درصد رشد همراه باشد. با نظر کارشناسی شده بانک جهانی چین اگر به روند کاهشی خویش در صنعت فولاد ادامه دهد نه تنها ضرری جبران‌ناپذیر به اقتصاد جهان وارد خواهد کرد بلکه خود نیز با مشکل مواجه خواهد شد. به گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود تولید فولاد با کاهش ۳۴ درصدی سالانه تا سال ۲۰۲۶ اقتصاد چین را نزولی کند.

پیامدهای تصمیم‌های نادرست در حوزه صنعت فولاد



در ابتدای ورود صنعت فولاد به ایران، بدون توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود در کشور، در حوزه صنعت فولاد اقدام به ساخت مجتمع‌ها و شرکت‌های متعدد فولادی در کشور شد.

با ورود تدریجی این مجتمع‌ها و شرکت‌ها به چرخه تولید، کمبود مواد اولیه احساس شد و این موضوع در کنار بی توجهی به انتخاب زنجیره تولید مناسب با شرایط و ویژگی‌های داخلی کشور از همان ابتدا، زمینه ساز دغدغه مواد اولیه برای فعالان این بخش شد. ضروری است فرایند تصمیم‌گیری مناسب در حوزه صنعت فولاد به صورت زنجیره ارزش فولاد در کشور به شکل معقول و مناسب و با توجه به ظرفیت صنایع پایین دستی و بالادستی تدوین گردد. تامین پایدار حامل‌های انرژی به ویژه برق و گاز از جمله ضروریات هر صنعتی بلاخص صنعت فولاد است.

اعمال محدودیت مصرف برق و گاز از جمله موانع تأثیرگذار بر تولید در حوزه فولاد بوده که لازم است تمهیدات لازم توسط دولت با هوشمندسازی محدودیت‌ها بدان معنا که با توجه به تأثیرگذاری صنایع مختلف بر اقتصاد کشور محدودیت‌ها اعمال شود. ضمناً سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌ها نیز یکی دیگر از راهکارهای موثر برای تامین پایدار برق در شرکت‌های بزرگ فولادی می‌باشد.

صنعت فولاد در زمره صنایعی است که نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه و به تبع آن سرمایه در گردش بالا دارد، بنابراین حمایت و پشتیبانی سیستم پولی و مالی از این صنعت امکان‌ناپذیر است اما از آنجایی‌که متأسفانه در ایران وظیفه تامین سرمایه نظام تولیدی تنها بر عهده سیستم بانکی است، لذا سیستم بانکی به دلیل داشتن مشکلات فراوان در وصول مطالبات قبلی خود و همچنین قرار دادن استراتژی کاهش ریسک‌پذیری در سرمایه‌گذاری‌های خود طی سالیان اخیر آنچنان که باید و شاید به این وظیفه خود عمل نکرده به‌گونه‌ای که یکی از اساسی‌ترین مشکلات فعالان این بخش نیاز شدید به تامین سرمایه در گردش است. روند نوسانات نرخ ارز ممکن است در مقطعی با روند قیمت‌های داخلی همخوانی نداشته باشد چرا که حاصل ضرب این عامل در نرخ ارز است که قیمت‌های داخلی را مشخص می‌کند. به عنوان مثال ممکن است در یک دوره‌ای، میانگین قیمت جهانی محصولات فولادی کاهشی باشد اما در همین دوره به علت افزایش نرخ ارز بهای محصولات فولادی در ایران افزایش یابد و با توجه به رشد صنعتی شدن کشور در صنایع مختلف، قیمت جهانی و نوسانات نرخ ارز در مصرف فولاد تأثیرگذار خواهد بود.

در این میان در صورت افزایش ساخت‌وساز در کشور و فعالیت رشد پروژه‌های عمرانی، مصرف فولاد در کشور افزایش خواهد یافت. قیمت فولاد در داخل کشور متأثر از عوامل میزان تقاضاهای داخلی و همچنین قیمت جهانی فولاد می‌باشد.

و در نهایت هر صنعتی جهت توسعه و پیشرفت نیازمند برخورداری از زیرساخت‌های لازم و مناسب است و صنعت فولاد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و اهمیت این موضوع در رابطه با صنعت فولاد زمانی پررنگ‌تر می‌شود که مشخص شود صنعت فولاد از پراهمیت‌ترین بخش‌ها در رابطه با زیرساخت‌ها است. بنابراین توجه به ایجاد و توسعه و گسترش گمرک‌ها و بنادر تخصصی در کشور و ایجاد ارتباط مناسب ریلی و جاده‌ای با مبادی ورود مواد اولیه قطعاً نقش پررنگی در نظم بخشی، سرعت بخشی، و سیستمی شدن این زیر ساخت که از جمله زیرساخت‌های اساسی صنعت فولاد است، ایفا خواهد کرد.

سرنوشت قیمت ارز و کالا پس از حذف ارز ترجیحی

در بودجه امسال مقرر بود دولت بعد از شش ماه نسبت به تعیین تکلیف ارز ۴۲۰۰ اقدام کند که گزارش‌های بانک مرکزی نیز نشان داد حدود هشت میلیارد دلاری که برای استفاده از این ارز تعیین شده بود در نیمه اول امسال به پایان رسید، از این رو بحث حذف ارز ترجیحی حتی برای نیمه دوم هم مطرح شد ولی ظاهراً هنوز اجرایی نشده است.

با آنکه دولت و مجلس بر سر حذف ارز ۴۲۰۰ تفاهم کامل دارند و معتقدند که تداوم روند موجود نه تنها به صلاح اقتصاد و حاکمیت نیست، اما گوی غلظان و آتشین حذف ارز ۴۲۰۰ در زمین مجلس و دولت در حال پاسکاری است. دولت نیز تعلثم کرده که به دلیل کمبود منابع مجبور است ارز ترجیحی را حذف کند و دلیل پیگیری جدی دولت برای حذف ارز ترجیحی، کمبود منابع است نه مصوبه مجلس و دولت با ۳۸۰ هزار میلیارد تومانی که از محل درآمدهای ارزی کسب می‌کند باید هم حقوق بدهد، هم بودجه عمرانی را تامین کند و هم ارز ترجیحی را و این امر امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان این شرایط را ادامه داد. در حالی‌که تا پیش از این، دولتمردان و نمایندگان مجلس به صورت ضدونقیض اعلام می‌کردند که ارز ترجیحی دارو، گندم و نهاده‌های دامی حذف نخواهد شد

البته در این میان تقریباً هیچکس منکر افزایش قیمت‌ها بعد از حذف ارز ۴۲۰۰ نیست و طبیعی است که قیمت بالا برود، به هر حال با حذف ارز ترجیحی از اقلامی مانند کنجاله سویا، قرار نیست که مسکن گران شود بلکه قیمت کالاهایی مانند تخم مرغ و مرغ رشد می‌کند که دولت هم قصد دارد در جریان این حذف مابه‌التفاوت را به دهک‌های پایین برگرداند؛ به طوری که پارانها به نحوی توزیع شود که دیگر به دست حلقه‌های واسطه نرسیده و مستقیم در اختیار مردم قرار بگیرد.

شاید کمتر کارشناس و مسئولی باشد که لزوم اصلاح رویه ارز ۴۲۰۰ تومانی و برچیدن بساط رانت آن را تأیید نکنند، حتی دولت قبل که خود بانی ورود این ارز بود قبول داشت که باید حذف شود، ولی در این بین نوع مدیریت بازار و پارانها ناشی از آن قابل توجه است، این در حالی است که دولت تاکنون آنچه درباره برنامه خود برای دوران بعد از حذف اعلام کرده به پرداخت ریالی برمی‌گردد که منابع حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی نیز در لایحه بودجه سال آینده برای آن پیش‌بینی کرده است، پارانهای که گفته می‌شود بین ۹۰ تا ۱۲۶ هزار تومان است، ولی هنوز تکلیف آن رسماً مشخص نشده است.

مدتی است دلار وارد کانال ۲۸ هزار تومان شده است که به باور برخی تحلیلگران و کارشناسان، بعید است بازار ارز رقمی پایین تر را به خود ببینند. در این شرایط اما از سوی برخی صاحب نظران اقتصادی، اعدادی بالاتر از نرخ ارز در ماه‌های آتی شنیده می‌شود. کارشناسان معتقدند شرایط اقتصادی کشور به گونه ای است که دیگر توان تثبیت بلندمدت نرخ ارز وجود ندارد و دلار در بازه‌های کوتاه مدت روندی صعودی را در پیش می‌گیرد.

اگر به بررسی تاریخچه بازار ارز در ایران بپردازیم، شاهد دوره‌های تثبیتی خواهیم بود که این دوره‌های تثبیت در گذشته طولانی تر بوده است و در مقطعی نیز شاهد جهش بوده ایم، اما روند بازار ارز همواره روبه رشد بوده است و در حال حاضر نیز الگو حرکت بازار ارز کماکان به این شکل است با این تفاوت که دوره‌های تثبیت کوتاه مدت تر شده است.

وی می‌افزاید: دولت و بانک مرکزی می‌توانست قیمت‌ها را در سال‌های گذشته ثابت نگه دارد، اما دیگر قادر به این کار نیست؛ آنچه در بحث کلان اقتصادی دولت و بانک مرکزی را از ثابت نگه داشتن نرخ ارز ناتوان کرده است، به منفی بودن متوسط نرخ رشد اقتصادی ما در سال‌های گذشته،

افزایش قیمت‌ها را تجربه خواهد کرد و این بازار نمی‌تواند به نحو دیگری اداره شود؛ با این وجود تصور می‌شود که دولت کنترلی بر بازار ارز دارد چراکه تا مدت‌ها بازار ارز در دست دولت بوده است و همچنان تصور می‌شود که دولت باید کاری برای کنترل نرخ ارز انجام دهد، با این وجود این کار کاری نیست که مستقل از اقتصاد در بازار ارز انجام شود و با این حال برخی از اتفاقات مانند توافق می‌تواند تا مدتی چشم انداز را روشن نگه دارد اما توافق نیز درمان این بحران نیست.

باید توجه داشت که دلار علت تورم نبوده بلکه معلول تورم است. تورم علل مختلفی دارد، گران شدن دلار باعث افزایش سطح قیمت‌ها نمی‌شود بلکه تغییر چند عامل مهم مانند رشد اقتصادی منفی و افزایش حجم نقدینگی درون اقتصاد منجر به افزایش سطح عمومی کالا و خدمات شده و در این پستر ارزش پول ملی کشور نسبت به سایر ارزها کاهش می‌یابد. برخی کارشناسان تا پایان سال ۲۰۲۶ میانگین تورمی ۲۵ درصد را در اقتصاد ایران پیش‌بینی کرده اند.

از سال ۱۳۷۰ تا آذر ماه سال ۱۴۰۰ نرخ ارز داخل اقتصاد ایران رشد ۲۰ هزار درصدی داشته و از ۱۴۵ تومان به ۳۰ هزار تومان رسیده است. سال‌هاست در بدنه اقتصاد ایران از علم اقتصاد استفاده نشده و فقط با منبسط کردن بودجه دولت برای توسعه اقتصادی و سپس ایجاد شدن کسری بودجه در ساختار کشور استقراض از بانک مرکزی نقدینگی زیادی خلق شده است. هر ساله شاهد افزایش تورم اقتصادی بوده‌ایم به طوری که سفره‌های خانوارها کوچک‌تر شد و در حال حاضر دیگر خرید برخی از کالاها برای مردم غیرممکن شده است، به طور مثال خرید خانه با میانگین درآمد مردم در ایران امکان پذیر نیست، مردم برای خرید یک خودرو سال‌ها باید کار و پس‌انداز کنند و هر ساله قیمت آن ملک یا خودرو مجدد افزایش پیدا می‌کند.

برای کنترل نرخ ارز و افزایش ارزش پول ملی در مقابل سایر ارزها انجام اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- جلوگیری از منبسط کردن بیشتر بودجه

۲- کاهش کسری بودجه در طی سال‌های پیش رو

۳- عدم استقراض بانک مرکزی

۴- مدیریت حجم نقدینگی و کاهش از سرعت آن

۵- برقراری ارتباط مجدد ایران با دنیا که منجر به افزایش توانایی فروش نفت و سایر کالاهای صادراتی خواهد شد

۶- تأمین مالی اقتصاد ایران از بازار سرمایه به جای بانک‌ها

واقعیت این است که سیاست و هدف پرداخت ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی رساندن محصولات و کالاهای موردنیاز باقیمت مناسب به دست مردم بود که این امر محقق نشده است. طبق فرمایشات مقام معظم رهبری انحراف در مسیر ارزی در بخش اقتصاد کشور باید کنترل شود ولی متأسفانه به‌رغم پرداخت ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی به نرخ دولتی برای خرید نهاده‌های دامی و ... شاهد بودیم که به‌عنوان مثال محصولات آرایشی با این ارز خریداری و وارد کشور شد. با جبران این انحرافات قطعاً می‌توانیم علاوه بر حل مشکلات اقتصادی کشور از آثار و تبعات اجتماعی این موضوع و وارد شدن شوک اقتصادی بزرگ به مردم جلوگیری کنیم.

اگر پرداخت ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی در مسیر صحیح خود انجام شود پرداخت پارانها به صورت هدفمند به اقشار آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین جامعه نهادینه خواهد شد. این‌که ارز ۴ هزار و ۲۰۰ را به واردکننده‌هایی باکارت بازرگانی اجاره‌ای و یا مواردی از این قبیل پرداخت کنیم که فقط موجب انباشت محصولات در انبارهای گمرک و واردکردن ضرر و زیان به جیب مردم شده‌ایم.

ارز ترجیحی از فروردین ۱۳۹۷ وارد چرخه تجاری شد و بعد از اینکه برای تمامی اقلام وارداتی اختصاص پیدا کرد، این رویه اصلاح و به تدریج لیست اقلام دریافتی کاهش یافت و حدود دو سالی است که فقط برای هفت قلم گندم، جو، کنجاله سویا، ذرت، روغن، دانه‌های روغنی و بخشی از دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی پرداخت می‌شود ولی در این فاصله حدود چهار ساله با رشد قیمت ارز در بازار و سامانه نیما، رانت ارز ۴۲۰۰ نیز سنگین تر شد انهم در شرایطی که کالای رسیده به دست مردم منطبق با نرخ ارز دریافتی نبود.



بر این است که بازار ارز کماکان روبه رشد باشد.

طبیعتاً انتظار رشد قیمت‌ها در بازار ارز وجود دارد و در این بین عواملی مانند مذاکرات وین وابسته به جنس توافق می‌توانست در کوتاه مدت و یا بلند مدت دوره تثبیت را بلندمدت‌تر کند و اما تمام این عوامل حداکثر در میان مدت می‌توانستند تأثیر گذار باشند. وضعیت اقتصاد کلان ما به گونه ای است که فشارهای تورمی سرانجام باعث می‌شود که جابه جایی‌هایی در بازار ارز اتفاق بیافتد. البته بعید است آثار توافق از نظر کاهش نرخ ارز خیلی دامنہ دار باشد؛ چراکه در سال ۹۴ که برجام امضا شد قیمت ارز ۱۰ تا ۱۵ درصد ریخت و آن هم برجامی‌که انتظارات جدی‌تری از آن داشتند و نسبت به آن خوشبین بودند.

در حال حاضر همچنین خوشبینی در جامعه نسبت به توافقی که کم و بیش در بهترین حالت در حد برجام باشد وجود ندارد. در آن زمان تصور می‌شد که این

کوچک‌تر شدن اقتصاد، کاهش سهم فعالان بخش‌های اقتصادی و دولت از کیک اقتصاد و هزینه‌های روبه رشد دولت در سال‌های اخیر باز می‌گردد. دولت در سال‌های اخیر در نتیجه افزایش نرخ تورم با هزینه‌های روبه‌رشدی مواجه بوده است؛ به خصوص هزینه‌هایی که دولت در قالب پارانهای پنهان و حامل‌های انرژی به آنها پایبند است و در سطح کلان دولت ما روز به روز در حال بدهکارتر شدن است. این خود به تنهایی به افزایش رشد نقدینگی و آثار تورمی آن دامن می‌زند.

در کشوری که ۳۰ تا ۴۰ درصد تورم دارد، به طور قطع در همه بخش‌های کالا و خدمات فشار تورم حس می‌شود و در بازار ارز نیز پیش از این قابلیت تثبیت نرخ در دوره‌های طولانی مدت وجود داشت و حال اما به دلیل آنچه گفته شد، از جمله رشد فزاینده کسری بودجه دولت، افزایش افسارگسیخته نقدینگی، کاهش امکانات بانک مرکزی در کنترل بازار ارز دوره‌های تثبیت کوتاه مدت تر شده است و انتظارات



تقاضای محصولات پتروشیمیایی جهان (در حدود ۲/۲ درصد در سال) کمی بالاتر از میانگین رشد GDP جهان باشد.

بر این اساس طی دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۳۰ تقاضای محصولات پتروشیمی مجموعاً ۱۹۳ میلیون تن افزایش می‌یابد و در ۱۰ سال بعد نیز ۱۶۲ میلیون تن تقاضای جدید به این مقدار افزوده خواهد شد. سهم پلی‌الفین‌ها و پلی‌استرها در این میان بیش از سایر محصولات خواهد بود.

با توجه به مشکل تامین نقدینگی برای پروژه‌ها در کشور، می‌باید از سود حاصل از فروش محصولات خود صنعت در مسیر توسعه‌های آن بهره برد. یعنی تلاش شود که بخشی از فروش هر هلدینگ به خود صنعت بازگردانده و صرف توسعه محصولات جدید گردد. در سال‌های اوایل دوره ۲۰۰۰ نیمی از سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در صنعت پتروشیمی بر روی بهره‌برداری از مزیت خوراک ارزان و برای احداث واحدهای زنجیره‌های متان و اتان انجام می‌شد.

ولی پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای استفاده از مزیت‌های خوراک ارزان کم خواهد شد و تمرکز سرمایه‌گذاری‌های آتی بر احداث واحدهایی با خوراک مایع (نفتا و گازوئیل و خوراک‌های سنگین‌تر) خواهد بود.

از آنجا که تغییرات قیمت مواد پتروشیمی با محوریت خوراک‌های غیرگازی به قیمت نفت خام وابستگی کاملی دارد؛ پیش‌بینی می‌شود که رشد درآمدهای پتروشیمی در سال‌های آتی، بیش‌تر به دلیل افزایش حجم تولید و تولیدات خاص باشد تا تغییرات قیمت نفت.

با توجه به تغییرات قیمت نفت و تأثیر آن بر سودآوری تولید مواد پایه پتروشیمی، می‌بایست در راستای ارتقاء فناوری این صنعت و توسعه یکپارچه و متوازن زنجیره ارزش آن، تلاش‌هایی دوراندیشانه صورت گیرد تا ریسک کاهش حاشیه سود در صنعت پتروشیمی دفع گردد.

از همین رو توجه به کیفیت در زنجیره ارزش و توسعه تولیدات Specialty در کنار تولید اتبوه مواد Commodity می‌تواند علاوه بر خودکفایی، بازارهای جدیدی علاوه بر بازارهای فعلی را به روی ایران بگشاید.

پتروشیمی‌ارومیه از ابتدای سال ۱۳۹۹ تا پایان سال ۱۴۰۰، حدود ۲۷ طرح مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، تا کنون ۶ طرح از آنها افتتاح شده و ۲۱ طرح دیگر به تدریج به سمت بهره‌برداری حرکت می‌کند.

امید می‌رود تا پایان سال ۱۴۰۰ ظرفیت تولید صنایع پتروشیمی به ۱۰۰ میلیون تن برسد. درآمد بدست آمده از این صنعت نیز از ۱۵ تا ۱۷ میلیارد دلار در سال به ۲۵ میلیارد دلار خواهد رسید.

این میزان ظرفیت‌سازی در صنعت پتروشیمی‌ثمره طرح‌های جهش دوم است.

مجموعه طرح‌های جهش سوم که شامل ۲۱ طرح فعال است، تا سال ۱۴۰۴ به اتمام خواهد رسید. ثمره جهش سوم نیز افزایش ظرفیت تولید به میزان ۱۳۱ میلیون تن است که درآمد حاصل از آن ۲۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. لذا تا سال ۱۴۰۵ به ظرفیت ۱۵۰ میلیون تن خواهیم رسید که موجب درآمدی بیش از ۴۰ میلیارد دلار در سال خواهد شد.

ناگفته نماند که در آینده توسعه مبتنی بر نیازهای متعالی و با ارزش افزوده بالا، رفتاری هوشمندانه است. همانطور که بازارهای مصرف از فضای سنتی خود فاصله گرفته‌اند، تولید در صنعت پتروشیمی نیز باید با توجه به شرایط جدید در محصولات تولیدی خود بازنگری نماید به بیان دیگر ضرورت توسعه کمی‌تولید، در این صنعت جای خود را به توسعه کیفی و هوشمندانه بدهد.

این موضوع بدان معنی است که باید به جای گسترش عرضی محصولات و تکرار ساخت واحدهایی مثل اوره، متانول و پلی‌الفین‌ها به سمت توسعه عمودی محصولات حرکت می‌کنیم و بر مبنای اطلاعات دقیق از رقبا، مشتریان و بازارهای بین‌المللی، فضای توسعه‌ای این صنعت را تعریف نماییم، روشن است که تولید هوشمندانه و عمودی موجب ارزش‌آوری بیش‌تر و رونق داخلی و رشد اقتصاد کشور می‌گردد.

پیش‌بینی روند سرمایه‌گذاری در این صنعت

روند سرمایه‌گذاری صنعت پتروشیمی در آینده موسسه ICIS پیش‌بینی نموده تا سال ۲۰۴۰ میانگین رشد

صنعت پتروشیمی در سه جهش

تقاضای برای نفت در سه دهه گذشته به طور متوسط هر سال بیش از یک درصد رشد داشته است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که از سال ۲۰۲۰ به بعد به دلیل حضور خودروهای الکتریکی در بخش حمل و نقل جاده‌ای، این رشد روندی کاهنده در پیش خواهد گرفت؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۵۰ این نیاز به ۳۰ میلیون بشکه برای بخش حمل و نقل کاهش خواهد یافت. لذا از سال ۲۰۳۵ موتور محرک رشد تقاضای برای نفت را صنایع پتروشیمی برعهده خواهند داشت. البته روند رشد تقاضا در بخش شیمیایی نیز از سال ۲۰۳۰ به بعد روندی نزولی را در پیش خواهد گرفت که دلیل اصلی این امر را افزایش نرخ بازافت پالستیک در دنیا می‌دانند. از طرفی پلیمرهای زیستی یا بایوپلیمرها هم در آینده نزدیک رقیب جدی پلیمرها با منشأ هیدروکربوری خواهند بود. ناگفته نماند که صنایع شیمیایی طی دو دهه گذشته منتهی به سال ۲۰۱۸ با نرخ رشد ۱۱ درصد بیشترین بازدهی را در بازارهای بورس نصیب سهامداران خود نسبت سایر صنایع با رشد متوسط ۶ درصد کرده‌اند.



اولویت‌های استراتژیکی آینده در این صنعت

دو عاملی که طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بیشترین نقش را در رشد این صنعت ایفا کرده اند «خوراک ارزان» و «رشد بالای تقاضا در بازارهای نوظهور» بوده است. ولی در سال‌های آتی اولویت‌های استراتژیکی که می‌بایست مدنظر فعالان داخلی این صنعت باشد به قرار زیر است:

۱- شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌های جدید سودآور با توجه به تامین نیاز مشتریان محصولات پایه و تغییر رفتار بازار صنعت پتروشیمی پیش‌بینی می‌شود برای سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰، سرمایه‌گذاری‌های کمتری برای تولید مواد اولیه، به ویژه در زنجیره‌های C1 و C2 صورت گیرد و سرمایه‌گذاران تمایل بیش‌تری به سرمایه‌گذاری در صنایع تکمیلی زنجیره‌های ارزش صنعت پتروشیمی از خود نشان خواهند داد.

۲- استفاده از رویکرد استراتژیک برای رشد نرخ رشد بازار محصولات پایه پتروشیمی با کاهش نیازهای انبوه اقتصادهای نوظهور به مواد پایه، کند شده و این کشورها استراتژی خود را از تولید محصول به ارائه خدمات، متمایل کرده‌اند.

لذا صنعت باید برای جبران این کاهش نرخ رشد، توانایی جانشینی برای مواد سنتی مانند کاغذ، چوب و فلز را از اهداف خود قرار دهد، روشن است که این استراتژی ضرورت توسعه صنایع تکمیلی و جایگزین را دیکته می‌نماید.

۳- تجزیه و تحلیل‌های دیجیتال و پیشرفته با توجه به اینکه فعالیت‌های پیچیده این صنعت، سهم بالایی از هزینه‌های متغیر را تشکیل می‌دهند؛ لذا، تجزیه و تحلیل پیشرفته، گزینه بسیار مهمی برای مدیریت این پیچیدگی در عملیات تولید، زنجیره تامین، نگهداری و بهبود فرایندهای تجاری، کاهش زمان و بهبود حاشیه‌های تجاری و ثبت و جمع‌آوری داده‌ها است.

با دیجیتالی‌سازی فرایندهای عملیاتی و ترکیب آن با اطلاعات خارج از محیط، می‌توان علاوه بر کاهش هزینه و تسهیل در فرایندها و تعالی عملکردی، تأثیر بر الگوهای تقاضا در بازار و تغییر در مدل‌های تجاری به تصمیم‌گیری‌های بهتر و کسب سهم بیشتر از بازار رسید.

۴- شناسایی فرصت‌های جدید در صنایع بالادستی پتروشیمی با تبدیل شدن گاز به عنوان اولین گزینه برای پتروشیمی‌ها در دو دهه گذشته، بسیاری از تولیدکنندگان

روابط تاریخی بین پالایش و پتروشیمی را قطع کرده‌اند. اما این کار در آینده تغییر می‌کند زیرا کاهش فرصت استفاده از مواد اولیه گازی برای شرکت‌های شیمیایی باعث می‌شود تا این شرکت‌ها مجدداً به سمت استفاده از مواد اولیه نفتی روی آورند.

۵- پذیرش اقتصاد دایره ای (صنایع بازیافت) صنعت پتروشیمی به طور جدایی‌ناپذیری در بحث اقتصاد دایره‌ای قرار گرفته است. ۸۰ درصد از واحدهای پتروشیمی برای تولید پلیمرها استفاده می‌شود؛ آنچه که امروزه اساساً یک زنجیره ارزش یکبار مصرف است. انتظار می‌رود شرکت‌های پتروشیمی آینده‌نگر، سهم قابلیت وجهی از بودجه‌های نوآوری، سرمایه‌گذاری‌های بنیادی و تفکر استراتژیک خود را به سمت رویکرد دایره‌ای و توسعه صنایع بازیافت مواد اولیه هدایت کنند.

طی دو سال گذشته با شیوع ویروس کرونا، تولید و فروش واحدهای فعال پتروشیمی از چهار بعد تحت تأثیر قرار گرفته‌اند نخست کاهش شدید قیمت خوراک به تبع سقوط قیمت نفت و دوم افت فروش محصولات به جهت محدودیت‌های وسیع صادراتی و سوم مشکلات حمل و لجستیک و چهارم قیمت‌گذاری پرنوسان و بی‌ثبات مواد اولیه، ناشی از شرایط شیوع ویروس کرونا در بسیاری از کشورهای جهان و به دلیل قرنطینه و اعمال محدودیت‌های سختگیرانه رفت‌وآمد و لغو سفرها، در ادامه زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی، تأثیر کرونا بر صنایع پایین‌دستی هم به دو دسته تقسیم می‌شود: نخست صنایعی که محصولات آنها در حوزه مقابله با ویروس کرونا قابل مصرف بوده از جمله صنایع شوینده و بهداشتی، بخشی از صنایع نساجی و صنایع پالستیک که به دلیل افزایش تقاضا شرایط مناسبی دارند و دوم سایر صنایع پایین‌دستی پتروشیمی از جمله تولیدکنندگان لوله، درب و پنجره، ظروف یکبار مصرف به دلیل تعطیلی رستوران‌ها و هتل‌ها، صنعت رنگ و ساختمان، صنعت کفش و چرم مصنوعی که از شیوع کرونا متضرر شده‌اند.

علل اصلی افزایش حجم تولید در صنعت پتروشیمی

در حال حاضر ظرفیت تولید در صنعت پتروشیمی ایران به ۸۳/۵ میلیون تن رسیده است. این افزایش ظرفیت به دلیل افتتاح برخی از طرح‌هایی است که در سال ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسیده‌اند. ازجمله سه طرح اولفین ایالم، پتروشیمی‌هگمتانه و



دومین همایش ملی ایمنی در معادن و صنایع معدنی

Second National Conference on Safety in Mines and Mining Industries

معاونان می‌توانند مقالات خود را از طریق سایت اختصاصی همایش به نشانی mlsafety@gg.ir ارسال نمایند.

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰
دوری و اعلام نتایج: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰
تاریخ برگزاری همایش: ۴ و ۵ اسفندماه ۱۴۰۰
سپهرجان، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر
۰۳۴-۳۱۲۳۳۲۷۶



- محورهای همایش:
- مولفه های ایمنی در طراحی بهینه معادن روباز و زیرزمینی.
 - آخرین دستاوردها در ایمن سازی عملیات آتش باری معادن روباز.
 - تکنولوژی های هوشمند و پوشیدنی در حوزه ایمنی و آتش نشانی.
 - ابرم افزار، رایلیکشن و بازی های حوزه ایمنی و آتش نشانی.
 - اقتصاد ایمنی، تجزیه و تحلیل هزینه و فایده.
 - نقش و جایگاه تکنولوژی و مهندسی های مدرن آموزش در ارتقای ایمنی.
 - مدل های فرهنگ ایمنی و مسئولیت مولف.
 - واکنش فوری و استانداردهای ایمنی.
 - آخرین دست آوردها در سیستم های اعلام و اطفای حریق.
 - مدیریت ریسک، تجزیه و تحلیل و مدل سازی از حوادث و شبه حوادث.
 - مدیریت بحران و مهندسی ریسک (تاب لوری).
 - ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
 - ایمنی نگهداری و تعمیرات (PMARC).
 - ارزیابی ریسک فاکتورهای سلامت در ایمنی.
 - طراحی ایمن دیوها و سد های باطله.
- کارگاه های همایش:
- ایمنی سد های باطله و دیوسازی.
 - آشنایی با فواید حقوقی ناشی از حوادث.
 - ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
 - ایمنی در معادن روباز.



طرح تسهیلاتی انتخاب ایران زمین تسهیلاتی به انتخاب تو

از یکم دی ماه ۱۴۰۰ به مدت یک سال

- نرخ سود سالیانه تسهیلات بین ۱۰ تا ۱۸ درصد به انتخاب مشتری
- تسهیلات تا سقف ۱ میلیارد ریال با امکان واریز و برداشت
- حداقل مبلغ افتتاح حساب ۵۰ میلیون ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر به یکی از شعب یا درگاه‌های غیرحضوری بانک ایران زمین مراجعه کنید.